



Scientific Journal of

Sustainable Development of Geographical Environment



Vol. ??, No. ??, ????

## Original Article

# A Interpretive Study of the Physical Transformation of Contemporary Public Spaces and Its Impact on the Quality of Social Interactions in Selected Areas of Tehran

Mohammad Kaye d pour<sup>1</sup> , Arash Sagha fi Asl<sup>2\*</sup> , Masoud Hag hlesan<sup>3</sup>

1. Department of Urban Planning, Ara.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

2. Department of Architecture & Urban Planning, Ta.C., Islamic Azad University, Tabriz, Iran.

3. Department of Architecture & Urban Planning, Ilk.C., Islamic Azad University, Ilkhchi, Iran.

## Absratet

**Introduction:** Public spaces, as the main platform for the formation of urban life, play a decisive role in the quality of citizens' interactions and social bonds. In recent decades, physical transformations resulting from modern planning and rapid urban development, often without considering socio-cultural dimensions, have led to a fundamental change in the essence of these spaces. These changes have affected their potential to strengthen social interactions, sense of place attachment, and social capital. In recent decades, a devastating paradox has occurred in the urban development of Tehran (and many metropolises around the world): on one hand, the symbolic and economic importance of public space is increasingly emphasized, and on the other hand, its social and cultural nature is being destroyed in the gears of modern urban planning and speculative urbanism. Prioritizing traffic efficiency at the expense of destroying sidewalks and gathering spaces, giving priority to symbols of development at the cost of ignoring the human scale, and turning multi-purpose spaces into uniform, controlled commercial products are just a few examples of this trend. These transformations, which often lack historical sensitivity and are indifferent to local wisdom, gradually erase collective memory from spaces, turning them into rootless, defenseless, and passive places. This research was conducted with the aim of studying the physical transformation of public spaces and its impact on the quality of social interactions in selected areas of Tehran.

**Materials and Methods:** The present study is applied in terms of purpose and qualitative in terms of method. The statistical population of the qualitative section includes experts and specialists in fields related to urban collective spaces (such as urban planning, architecture, urban design, urban sociology, and urban management). A purposive snowball sampling method was employed for participant selection, whereby initially a number of recognized experts were identified and interviewed, and then, through their referrals, other qualified individuals were added to the sample. Data collection continued based on the principle of theoretical saturation; after conducting 10 interviews, no new data emerged, and theoretical saturation was achieved. Consequently, the interview process was halted at this stage. The collected data were then analyzed using MAXQDA qualitative data analysis software.

**Results and Discussion:** Analysis of the findings indicates that a total of 474 conceptual codes were extracted from the interview data through coding. These codes were organized during the analysis process into 6 main categories and 18 subcategories. Based on frequency and importance, the most significant main categories identified, in order, are: factors affecting transformation (24.7%), physical-spatial transformations (22.8%), and strategies and solutions (18.6%) of the total extracted codes. To ensure the reliability of the coding process, Cohen's Kappa coefficient was calculated, yielding a value of 0.81. This value indicates a high level of agreement among coders and suitable reliability of the qualitative data. Furthermore, using network analysis, key nodes influencing the studied system were identified. The results showed that political-managerial factors, with 31 references and 5 connections, act as the central and pivotal node. On the other hand, transformations during the Pahlavi period, with 42 references, were identified as the most significant historical key node, having the greatest impact on shaping the current situation. Regarding solutions, out of 17 identified strategies, the analysis results determined that 9 strategies fall into the very high priority group. These strategies primarily focus on categories such as community-based regeneration, revitalizing human scale, enhancing walkability, and increasing citizen participation, and should be placed at the forefront of future actions.

**Conclusion:** The results of the research indicate that public spaces are not neutral backgrounds, but rather play a decisive and dynamic role in the quality and quantity of communications and social bonds among citizens in the selected areas of Tehran. Public spaces should be recognized as living and dynamic arenas that enable diverse interactions, dialogue among different groups, and the formation of a collective identity, which requires a fundamental review and redesign with this approach.

**Keywords:** Physical transformation, Public spaces, Social interactions, MAXQDA software

**Citation:** Kaye d pour, M., Sagha fi Asl, A., & Hag hlesan, M., (2026). A Interpretive Study of the Physical Transformation of Contemporary Public Spaces and Its Impact on the Quality of Social Interactions in Selected Areas of Tehran. Sustainable Development of Geographical Environment: Vol. ??, No. ??, (??-??).

Received: ??/??/??

Revised: ??/??/??

Accepted: ??/??/??

\* Corresponding Author's Email: A.saghafi@iaut.ac.ir



Copyright: © 2025 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY). license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

## مطالعه تفسیری تحول کالبدی فضاهای جمعی معاصر و تأثیر آن بر کیفیت تعاملات اجتماعی در مناطق منتخب تهران

محمدکاید پور<sup>۱</sup> ID، آرش ثقفی اصل<sup>۲</sup> ID، مسعود حق لسان<sup>۳</sup> ID

۱. گروه شهرسازی، واحد بین المللی ارس، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۲. گروه معماری و شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۳. گروه معماری و شهرسازی، واحد ایلخچی، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلخچی، ایران.

### چکیده

**مقدمه:** فضاهای جمعی به عنوان بستر اصلی شکل گیری حیات شهری، نقشی تعیین کننده در کیفیت تعاملات و پیوندهای اجتماعی شهروندان ایفا می کنند. در دهه های اخیر، تحولات کالبدی ناشی از برنامه ریزی مدرن و توسعه شتابان شهری، اغلب بدون توجه به ابعاد اجتماعی- فرهنگی، منجر به دگرگونی ماهوی این فضاها شده است. این تغییرات، پتانسیل آن ها را برای تقویت تعاملات اجتماعی، حس تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی تحت تأثیر قرار داده است. در دهه های اخیر، یک تناقض ویرانگر در توسعه شهری تهران (و بسیاری از کلان شهرهای جهان) رخ داده است: از یک سو، بر اهمیت نمادین و اقتصادی فضای عمومی هر چه بیشتر تأکید می شود و از سوی دیگر، ماهیت اجتماعی و فرهنگی آن در چرخنده های برنامه ریزی مدرن و سوداگری شهری از بین می رود. محوریت یافتن کارایی ترافیکی به قیمت نابودی پیاده روها و فضای ایستایی، اولویت دادن به نمادهای توسعه (مانند برج ها و پل های عظیم) به بهای نادیده گرفتن مقیاس انسانی و تبدیل فضاهای چندمنظوره به محصولات تجاری یکسان و کنترل شده (مانند مال ها)، تنها نمونه هایی از این روند هستند. این تحولات که اغلب فاقد حساسیت تاریخی و بی اعتنا به خرد محلی پیش می روند، به تدریج حافظه جمعی را از فضاها می زدایند و آن ها را به مکان هایی بی ریشه، بی دفاع و منفعل تبدیل می کنند. این پژوهش با هدف مطالعه تحول کالبدی فضاهای جمعی و تأثیر آن بر کیفیت تعاملات اجتماعی در مناطق منتخب شهر تهران انجام شد.

**مواد و روش ها:** پژوهش حاضر از منظر هدف، کاربردی و از منظر روش، کیفی است. جامعه آماری بخش کیفی شامل متخصصان و صاحب نظران حوزه های مرتبط با فضاهای جمعی شهری می باشد. از روش نمونه گیری هدفمند گلوله برفی برای انتخاب مشارکت کنندگان استفاده شد که در آن ابتدا تعدادی از متخصصان شناخته شده شناسایی و مصاحبه شدند و سپس از طریق معرفی آنان، افراد واجد شرایط دیگر به نمونه اضافه گردیدند. فرآیند جمع آوری داده ها بر اساس اشباع نظری ادامه یافت؛ به طوری که پس از انجام ۱۰ مصاحبه، داده جدیدی حاصل نشد و اشباع نظری محقق گردید. در نتیجه، روند مصاحبه در این مرحله متوقف شد. داده های جمع آوری شده سپس با استفاده از نرم افزار تحلیل داده های کیفی مکس کیودا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

**نتایج و بحث:** تحلیل یافته های پژوهش حاکی از آن است که از طریق کدگذاری داده های حاصل از مصاحبه ها، در مجموع ۴۷۴ کد مفهومی استخراج گردید. کدها در فرآیند تحلیل، در قالب ۶ مقوله اصلی و ۱۸ زیرمقوله سازمان دهی شدند. بر اساس فراوانی و اهمیت، مهم ترین مقوله های اصلی شناسایی شده به ترتیب عبارتند از: عوامل مؤثر در تحول با سهم ۲۴٫۷ درصد، تحولات کالبدی- فضایی با ۲۲٫۸ درصد و راهبردها و راهکارها با ۱۸٫۶ درصد از کل کدهای استخراج شده. برای اطمینان از قابلیت اعتماد فرآیند کدگذاری، ضریب پایایی کاپای کوهن محاسبه شد که مقدار ۰٫۸۱ به دست آمد. این مقدار نشان دهنده توافق بالای میان کدگذاران و قابلیت اطمینان مناسب داده های کیفی است. همچنین، با استفاده از تحلیل شبکه ای، گره های کلیدی مؤثر در سیستم مورد بررسی شناسایی شدند. نتایج نشان داد که عوامل سیاسی- مدیریتی با ۳۱ اشاره و داشتن ۵ ارتباط، به عنوان گره محوری و مرکزی عمل می کنند. از سوی دیگر، تحولات دوره پهلوی با ۴۲ اشاره، به عنوان مهم ترین گره کلیدی تاریخی شناخته شد که بیشترین تأثیر را در شکل دهی به وضعیت کنونی داشته است. در بخش راهکارها، از میان ۱۷ راهبرد شناسایی شده، نتایج تحلیل ها مشخص کرد که ۹ راهبرد در گروه اولویت بسیار بالا قرار می گیرند. این راهبردها عمدتاً بر مقولاتی چون بازآفرینی مبتنی بر اجتماع، احیای مقیاس انسانی، تقویت پیادهمداری و افزایش مشارکت شهروندی متمرکز هستند و باید در صدر اقدامات آتی قرار گیرند.

**نتیجه گیری:** یافته های پژوهش نشان می دهد که «عوامل سیاسی- مدیریتی» گره محوری تحول کالبدی تهران است و سلطه خودرو به تضعیف اعتماد اجتماعی انجامیده است. بنابراین بازنگری فضاهای عمومی باید متمرکز بر این دو گره کلیدی باشد.

**واژه های کلیدی:** تحول کالبدی، فضاهای جمعی، تعاملات اجتماعی، عوامل سیاسی- مدیریتی، سلطه خودرو

استناد: کاید پور، م.، ثقفی اصل، آ.، حق لسان، م.، ۱۴۰۵. مطالعه تفسیری تحول کالبدی فضاهای جمعی معاصر و تأثیر آن بر کیفیت تعاملات اجتماعی در مناطق منتخب تهران، توسعه پایدار محیط جغرافیایی: دوره ۴، شماره ۴، ۹۴ (۴-۹).

پذیرش: ۹۴/۹۹/۹۴

بازنگری: ۹۴/۹۹/۹۴

دریافت: ۹۴/۹۹/۹۴

\* رایانامه نویسنده مسئول: A.saghafi@iaut.ac.ir

## مقدمه

در دهه اخیر، شهر تهران با مسائل روزی همچون سلطه خودرو بر فضاهای شهری، کاهش اعتماد اجتماعی میان شهروندان، توسعه مراکز تجاری مصرف‌محور به جای فضاهای تعاملی، و مدیریت متمرکز و بالابنه‌پایین فضاهای عمومی مواجه است. این مسائل باعث شده‌اند که بسیاری از فضاهای جمعی تهران کارکرد تعامل‌محور خود را از دست بدهند. فضای عمومی «ظرف ایستا یا پس‌زمینه‌ای خنثی نیست که کنش در آن آشکار می‌شود»، بلکه «نتیجه روابط متقابل خاص بین افراد و مکان‌ها» است (Abarghouei Fard et al, 2023). فضاهای جمعی مکان‌های اجتماعی هستند که زندگی اجتماعی و تعاملات اجتماعی را تقویت می‌کنند و بایستی اهمیت طراحی فضاهای عمومی برای انواع کاربران مورد استفاده از فضاها و در نظر گرفتن انواع گروه‌های روابط اجتماعی تأکید شود. فضاهای عمومی مناطقی محسوب می‌شوند که سلامت جسمی و روانی کاربران را ارتقاء می‌دهند. نقش این افراد در فضاهای عمومی، ارزیابی چنین مناطقی را ضروری می‌سازد (Lorenzo et al, 2023). شکل‌گیری ارزش‌های عمومی یک فرایند پویا است که با تعامل سیستم‌های ارزشی چندگانه مشخص می‌شود، با تداعی‌های مختلف ارزش عمومی که در تجاری‌سازی جوامع پدیدار می‌شوند. (Wang & Li, 2024).

اجتماع‌پذیری و شکل‌گیری زندگی جمعی در فضاهای عمومی شهری معلول سه عامل کالبدی-فضایی، فعالیتی-عملکردی، ادراکی-معنایی است (Mohammadzade Balalami et al, 2023).

فضا و جامعه به شکل مشخصی به یکدیگر مربوط‌اند. پرداختن به فضا بدون توجه به بستر اجتماعی آن و ظرف فضایی آن مشکل‌ساز خواهد بود. این رابطه به‌صورت یک فرایند دوطرفه است که در آن مردم و جوامع، فضاها را به وجود آورده و تغییر می‌دهند. در حالی که مردم به طرق مختلف تحت تأثیر این فضاها قرار دارند. (Carmona et al, 2009). فضاهای عمومی مناطقی محسوب می‌شوند که سلامت جسمی و روانی کاربران را ارتقاء می‌دهند. نقش این افراد در فضاهای عمومی، ارزیابی چنین مناطقی را ضروری می‌سازد (Lorenzo et al, 2023).

شهر تهران، به‌عنوان پایتخت ایران، در چند دهه اخیر شاهد تحولات سریع کالبدی و گسترش فزاینده بوده است. در این پژوهش، هشت منطقه از تهران شامل مناطق ۱، ۳، ۶، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۹ و ۲۲ به‌عنوان مناطق منتخب انتخاب شده‌اند که هرکدام نمایانگر نوع خاصی از تحول کالبدی هستند. این تحولات بر کیفیت زندگی اجتماعی ساکنان تهران تأثیر عمیقی گذاشته است. فضاهای عمومی که بستر تعاملات چهره‌به‌چهره و سرمایه اجتماعی بودند، امروزه در معرض دگرگونی قرار گرفته‌اند. از یک‌سو، مدرنیزاسیون به ایجاد فضاهای جدید و زیباسازی انجامیده؛ اما از سوی دیگر، عواملی مانند اولویت حرکت سواره بر پیاده، تجاری‌سازی فضاها و نادیده گرفتن نیازهای گروه‌های مختلف، موجب افول تعاملات اجتماعی و فاصله گرفتن فضاها از نقش سنتی خود شده است. در عوض، شاهد شکل‌گیری فضاهایی هستیم که اگرچه از نظر کالبدی مدرن و آراسته به نظر می‌رسند، اما فاقد مصادیق عینی حیات اجتماعی پویا هستند؛ از جمله: نبود یا کاهش چشمگیر نشست‌های غیراجباری، گفت‌وگوهای چهره‌به‌چهره میان غریبه‌ها، غلبه حرکت سریع و انفرادی (عبور صرف) بر توقف و مکث، فقدان بازی کودکان در فضا، عدم شکل‌گیری حلقه‌های دوستی یا هم‌کلامی، و نبود رویدادهای خودجوش اجتماعی. در نتیجه، این فضاها عملاً کارکرد خود به‌عنوان عرصه تعاملات اجتماعی را از دست داده و به دو نقش تقلیل یافته‌اند: نقش اول - مسیر عبور، به این معنا که افراد صرفاً برای رفتن از نقطه‌ای به نقطه دیگر از آن‌ها عبور می‌کنند بدون توقف، نشستن یا برقراری ارتباط با دیگران؛ نقش دوم - مکان مصرف، به این معنا که حضور افراد در فضا منحصرأ به خرید، استفاده از فست‌فودها یا کافی‌شاپ‌ها و عکاسی برای شبکه‌های اجتماعی محدود می‌شود و خبری از تعاملات غیرتجاری و خودجوش اجتماعی نیست.

این پژوهش در راستای پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی انجام شده است: تحولات کالبدی در فضاهای جمعی معاصر در هشت منطقه منتخب شهر تهران چه تأثیر قابل اندازه‌گیری بر کیفیت تعاملات اجتماعی شهروندان داشته است و کدام مؤلفه‌های کالبدی بیشترین نقش را در این تغییرات ایفا کرده‌اند؟ بنابراین، مسأله اصلی این پژوهش، شناسایی و تبیین

رابطه بین گونه‌های مختلف تحول کالبدی در هشت منطقه متفاوت تهران با افول یا تقویت تعاملات اجتماعی در فضاهای جمعی آن‌هاست.

در پژوهشی با عنوان معماری شهری و الگوی فضایی حسینه‌های شهر تفت به‌مثابه مصداقی از فضای جمعی ایرانی اسلامی مطالعه‌های مبتنی بر رویکرد تحلیلی و نظریه گراف چنین نتیجه شد که در طراحی و برنامه‌ریزی فضاهای عمومی شهری، از مؤلفه‌های کیفی مشابه حسینه‌ها، بهره‌برداری شود. اصولی همچون مرکزیت، محصوریت و ارتباط، باعث ایجاد فضاهای جمعی و هم‌ارز در شهرها و بهبود کیفیت زندگی شهروندان خواهد شد (Noghsanmohammadi et al, 2024). در پژوهش دیگری با عنوان «نظریه شکل خوب فضای عمومی» مروری انتقادی بر معیارهای شکل‌گیری فضای عمومی کارآمد، فضای عمومی «ظرف ایستا یا پس‌زمینه‌ای خنثی نیست که کنش در آن آشکار می‌شود»، بلکه «نتیجه روابط متقابل خاص بین افراد و مکان‌ها» است (Abarghouei Fard et al, 2023).

در پژوهش با عنوان سنجش وضعیت اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی شهری با تأکید بر عامل محصوریت این نتیجه حاصل شد که اجتماع‌پذیری و شکل‌گیری زندگی جمعی در فضاهای عمومی شهری معلول سه عامل کالبدی-فضایی، فعالیتی-عملکردی، ادراکی-معنایی است (Mohammadzade Balalami et al, 2023). در پژوهشی با عنوان ارزیابی شاخص مؤثر بر بروز زندگی جمعی در فضاهای عمومی (مطالعه موردی: بلوار کشاورز تهران) نتیجه گرفته شد که در فضاهای مرکزی شهری به دلیل برگزاری رخداد‌های فرهنگی-مذهبی گوناگون؛ وجود ساختمان‌های اطراف، حضور مردم، پیاده راه عریض و ممتد، مسیر دوچرخه سواری حفاظت شده، ایجاد سنگفرش مناسب برای افراد نابینا، حضور بانوان در فضا، امکان استفاده افراد توانیاب از این فضاها، مؤلفه‌های تعاملات اجتماعی، امنیت، فضای انسانی، کیفیات محیطی باید در شرایط ایده آلی قرار گیرد (gholikiani et al, 2024).

در پژوهشی با عنوان نقش بازار رسولی به‌عنوان فضای جمعی-تجاری در کیفیت‌بخشی به محیط شهری زاهدان، چنین نتیجه حاصل شد که توجه به فاکتور تنوع کالبدی در کیفیت محیط شهری، برای ایجاد هویت، حفظ جذابیت و سرزندگی و انعطاف‌پذیری محیط شهری اهمیت فراوانی دارد چراکه می‌تواند بستر فضایی مناسبی برای حضور افراد مهیا کند (Dadgar & Ghasri, 2022). در پژوهشی با عنوان مدل‌سازی عوامل کالبدی و اثر آن بر میزان تعاملات اجتماعی (مورد مطالعه: بافت قدیمی شهر کاشان)، این نتیجه حاصل شد که همبستگی بین عوامل کالبدی و تعاملات اجتماعی به علت وجود فضاهای جمعی و عمومی با ساختار کالبدی مناسب است. با افزایش امنیت اجتماعی، آسایش ساکنان نیز بیشتر می‌شود (shaterian & Karimi, 2022).

در پژوهش دیگری با عنوان تأثیر بعد محسوس-ممنوع فضای شهری جمعی باز بر تصویر ذهنی گردشگران از آن فضا: یک مطالعه کیفی، بیان کردند که مقوله‌های غنای عملکردی، بصری و منحصر به فردی عناصر کالبدی، میلمان و المان‌های فضا و ارتباط با فضا از عوامل محسوس-ممنوع بر تصویر ذهنی گردشگران از فضاهای شهری جمعی تأثیرگذار هستند (Tayyebi, 2022). در پژوهشی با عنوان درک دیدگاه کاربر در فضاهای عمومی شهری: بررسی سیستماتیک و فرصت‌هایی برای یادگیری ماشین این نتیجه را حاصل شد که مرور سیستماتیک و تجزیه و تحلیل ابعاد دیدگاه کاربر نسبت به فضاهای عمومی شهری و شناسایی و سه موضوع: تفسیر ادراک کاربر، جمعیت‌شناسی نادیده گرفته‌شده کاربر و جمع‌آوری داده‌ها (Zhu et al, 2025).

در پژوهشی با عنوان تعارضات اجتماعی و مسیرهای حل آن‌ها در نوسازی تجاری جوامع شهری قدیمی در چین از منظر ارزش عمومی، چنین نتیجه حاصل شد که شکل‌گیری ارزش‌های عمومی یک فرآیند پویا است که با تعامل سیستم‌های ارزشی چندگانه و با تداعی‌های مختلف ارزش عمومی مشخص می‌شود (Wang & Li, 2025). در پژوهشی با عنوان تجزیه و تحلیل کیفیت و دسته‌بندی فضای عمومی بیان کردند که فضاهای عمومی مناطقی هستند که سلامت جسمی و روانی کاربران را ارتقاء می‌دهند. نقش کاربران در فضاهای عمومی، ارزیابی چنین مناطقی را ضروری می‌سازد (Bernabeu et al, 2023).

در پژوهشی با عنوان نقش فضاهای عمومی موفق در مراکز تاریخی بینش‌های اجتماعی داده‌های رسانه‌ای، بیان کردند که موفقیت میدان‌های عمومی: (۱) پیچیدگی عملکردی ساختمان‌های واقع در تقاطع خیابان‌های منتهی به میدان‌ها (۲) داشتن سایر نشانه‌ها یا مکان‌های مورد علاقه و یا فعالیت‌های خوشه‌ای در فاصله پیاده‌روی از میدان‌ها (۳) اتصال خوب به محله‌های دیگر با ارائه زیرساخت‌های مناسب برای عابر پیاده (۴) اهمیت میزبانی جشن‌های محلی (Bernabeu, 2023). در پژوهشی با عنوان «راهبردهای شهرداری برای حفاظت از حس مکان از طریق مدیریت فضای عمومی در شهرهای تاریخی: مطالعه موردی آمستردام»، هفت راهبرد اصلی شامل رویکرد نرم، مشارکتی و چندرشته‌ای، رویکرد کل‌نگر، افزایش آگاهی و مشارکت شهروندان، توجه به ارزش‌های میراثی در نسل جوان، مشارکت در تصمیم‌گیری و اجرا، شفافیت و تنوع صداها، و به‌کارگیری سیستم نظارتی ارائه شد (Pourbahador & Brinkhuijsen, 2023).

باوجود پژوهش‌های متعدد در حوزه فضاهای عمومی، بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد درک پویایی رابطه بین تغییرات کالبدی و حیات اجتماعی این فضاها در بستر خاص تهران به‌عنوان یک خلأ پژوهشی جدی مطرح است. این خلأ عمدتاً ناشی از نبود چارچوب تحلیلی یکپارچه‌ای است که بتواند شاخص‌های کمی و کیفی تحول کالبدی را درگذر زمان با معیارهای سنجش کیفیت تعاملات اجتماعی پیوند زده و نقش مؤلفه‌های مدیریتی و فرهنگی را در این رابطه تبیین نماید. جدول شماره ۱ مهم‌ترین ابعاد خلأ پژوهشی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. خلأ پژوهشی بر اساس بررسی پیشینه پژوهش (منبع: نگارندگان، ۱۴۰۴)

| مؤلفه                     | وضعیت موجود در پیشینه                                                                                         | خلأ شناسایی شده                                                                                                                                                              |
|---------------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| مقیاس تحلیل               | مطالعات پیشین غالباً بر یک نوع فضای عمومی (بازار، بلوار، حسینیه) یا یک بافت خاص (قدیم، جدید) متمرکز بوده‌اند. | نبود مطالعه تطبیقی بین مناطق مختلف شهری تهران با پیشینه‌های کالبدی-اجتماعی متفاوت (مانند شمال و جنوب شهر، یا بافت قدیم و جدید) برای درک الگوهای تحول.                        |
| شاخص‌های تحول کالبدی      | مؤلفه‌های کیفی پراکنده‌ای مانند مرکزیت، محصوریت، تنوع کالبدی و غنای عملکردی شناسایی شده‌اند.                  | عدم وجود مجموعه‌ای نظام‌مند و قابل سنجش از شاخص‌های کمی و کیفی برای اندازه‌گیری تحول کالبدی در طول زمان (مثلاً تغییرات در تراکم، نفوذپذیری، اختلاط کاربری، فرم میلمان شهری). |
| سنجش تعاملات اجتماعی      | بیشتر پژوهش‌ها به وجود تعاملات اجتماعی یا رضایت کلی از فضا اشاره کرده‌اند.                                    | عدم سنجش کمی و کیفی مستقیم کیفیت تعاملات اجتماعی مانند شدت، تداوم، تنوع و ماهیت تعاملات - تصادفی، هدفمند، همیارانه) و ارتباط آن با متغیرهای کالبدی.                          |
| بستر فرهنگی-مدیریتی تهران | مطالعات بین‌المللی راهبردهای مدیریتی عمومی ارائه داده‌اند و مطالعات داخلی بر شهرهای دیگر متمرکز بوده‌اند.     | عدم توجه خاص به چارچوب‌های مدیریتی، سیاست‌های شهری و بستر فرهنگی خاص تهران به‌عنوان عوامل مؤثر بر رابطه بین تحول کالبدی و تعاملات اجتماعی.                                   |
| پیوند علی و پویایی        | مطالعات موجود عمدتاً به ارتباط همبستگی بین کالبد و اجتماع در یک مقطع زمانی خاص پرداخته‌اند.                   | نداشتن درک پویا از رابطه علی و معلولی؛ این که چگونه هر مرحله از تحول کالبدی به‌طور خاص بر کیفیت تعاملات اجتماعی تأثیر گذاشته یا از آن تأثیر پذیرفته است.                     |

فضاهای عمومی شهری به‌عنوان «فضاهای باز اجتماعی» شناخته می‌شوند، زیرا این فضاها امکان استفاده آزادانه و متنوع را برای همه شهروندان فراهم می‌کنند و بستری برای شکل‌گیری تعاملات اجتماعی و تداوم حضور مردم فراهم می‌آورند (Carmona et al., ۲۰۲۱). این فضاها از نظر ماهیت دسترسی و کارکرد، در تقابل با فضاهای خصوصی قرار می‌گیرند؛ چراکه فضاهای خصوصی معمولاً دارای دسترسی کنترل‌شده و محدود هستند، درحالی‌که فضاهای عمومی بر پایه باز بودن، دسترسی‌پذیری و کارکرد اجتماعی تعریف می‌شوند (Mehta, ۲۰۲۲). در بعد کالبدی، فرم و ساختار شهر مجموعه‌ای از عناصر فضایی و سازمان‌دهنده را دربر می‌گیرد که شامل: الگوی استفاده از زمین، شبکه معابر، بافت ساختمانی، فضاهای باز و نحوه استقرار و پیوند این عناصر در پهنه شهری است. این ساختار کالبدی، بستر اصلی شکل‌گیری رفتارها و فعالیت‌های انسانی محسوب می‌شود و کیفیت طراحی و سازمان‌دهی آن می‌تواند بر میزان حضور و تجربه اجتماعی شهروندان تأثیر مستقیم بگذارد. از دیدگاه ریخت‌شناسی شهری، نحوه ترکیب عناصر کالبدی و رابطه میان آن‌ها تعیین می‌کند که فضاهای شهری تا چه اندازه خوانا، قابل دسترسی، فعال و اجتماعی باشند. «شکل یا فرم شهر» نیز مفهومی فراگیر در مطالعات شهری است که همه عناصر قابل ادراک توسط انسان را دربر می‌گیرد؛ از جمله فضاهای باز، فضاهای

سبز، مسیرهای حرکتی، ساخت و سازها، ریتم کالبدی و نحوه اتصال این عناصر. این فرم، چارچوبی است که کیفیت های محیطی و امکان تجربه فضا را برای شهروندان تعریف می کند (Oliveira, ۲۰۱۶). فضاهای عمومی به عنوان یکی از اصلی ترین اجزای کالبد شهر نقش اساسی در شکل دهی به تجربه شهری و ارتقای تعاملات اجتماعی دارند؛ زیرا این فضاها نه تنها ساختار فیزیکی و فضایی شهر را تشکیل می دهند، بلکه بسترهایی فرهنگی-اجتماعی ایجاد می کنند. در آن ها «تماس اجتماعی»، «فرهنگ عمومی» و «جو عاطفی مشترک» می تواند شکل بگیرد. در این فضاها مانند میدان ها، خیابان ها، پارک ها، گذرگاه ها و بازارها افراد از زمینه های مختلف اجتماعی و اقتصادی گرد هم می آیند، گفت و گو ها می کنند، تفاوت ها دیده و پذیرفته می شوند و احساس تعلق و هویت جمعی شکل می گیرد. بدین ترتیب فضاهای عمومی نه فقط عرصه آزادی جابجایی، بلکه زیربنایی برای عدالت اجتماعی، همبستگی، مشارکت و زندگی مدنی هستند (Low, ۲۰۲۳). بنابراین، در مطالعه «تحول کالبدی فضاهای جمعی معاصر و تأثیر آن بر کیفیت تعاملات اجتماعی»، بررسی هم زمان دو بُعد کالبدی و اجتماعی ضروری است؛ زیرا تغییرات کالبدی همچون توسعه فضاهای عمومی، بازآفرینی شهری یا تغییر در شبکه فضایی، می تواند به طور مستقیم بر الگوهای حضور، تعامل و رفتار اجتماعی شهروندان اثر بگذارد (Gehl, ۲۰۱۱). فضاهای جمعی در شهرها چه در جوامع تاریخی و چه در شهرهای معاصر، همواره عرصه ای برای بروز و تبیین روابط اجتماعی بوده اند؛ این فضاها بستری برای تعاملات روزمره، شکل گیری هویت جمعی و بازنمایی زندگی اجتماعی شهروندان فراهم می کنند. به طور کلی، پویایی حیات شهری بسته به فعالیت های اجتماعی در فضاهای عمومی است؛ زیرا این فضاها می توانند رفتارهای جمعی را شکل دهند، انسجام اجتماعی را تقویت کنند و تجربه شهری را معنا ببخشند. در بسیاری از دوره ها، فضاهای عمومی توسط نهادهای حاکمیتی برای نمایش قدرت، مشروعیت یا انسجام سیاسی ایجاد شده اند؛ در حالی که در موارد دیگر، این فضاها به صورت خودجوش و بر اساس نیازهای اجتماعی مردم شکل گرفته اند و کارکردی مشارکتی و روزمره می یابند (Gehl, ۲۰۱۱; Carmona et al, ۲۰۰۸). فضاهای جمعی شهری نمودی از نیاز بنیادین انسان به زیست جمعی و تعامل اجتماعی هستند؛ در این فضاها است که روابط میان ساکنین شکل می گیرد. فضاهای عمومی مانند خیابان ها، میدان ها، بازارها، پارک ها و مسیرهای پیاده فرصتی برای مواجهه با دیگری و برقراری ارتباطات روزمره فراهم می کنند؛ این تعاملات چه رسمی، چه غیررسمی در طول تاریخ متغیرند اما اساساً نقطه تلاقی فرد و اجتماع هستند بسته به طراحی، مدیریت و بافت شهری و نیز بر اساس ویژگی های جمعیتی مانند سن، قومیت، طبقه اقتصادی یا مدت سکونت این فضاها می توانند زمینه ساز تعلق مکانی، هویت جمعی و تجربه مشترک زندگی شهری شوند. فضاهای عمومی با کارکردهای متنوع از جمله بازارها و مراکز خرید، فضاهای سبز، گذر های عمومی، خیابان های محله ای یا معابر پیاده می توانند نقش مهمی در همبستگی اجتماعی ایفا کنند؛ زیرا امکان «هم حضور»، «تنوع استفاده»، «مواجهه میان گروه های مختلف» و «شناسایی مشترک فرهنگی اجتماعی» را ایجاد می نمایند (Qi et al, ۲۰۲۴).

شهر نمودی از میل انسان به زیست جمعی است. روابط ساکنین شهر با یکدیگر در فضاها و مکان های عمومی شهر شکل می گیرد. این روابط می تواند در یک فضا با عملکرد اقتصادی (بازار)، یا یک بنای مذهبی (مسجد) و یا حتی در جریان های ارتباطی شهر (کوچه ها) شکل بگیرد. هرچند الگوی رفتاری مصرف این فضاها در سیر تاریخ متفاوت است، اما فضاهای عمومی به عنوان محل گردهمایی ها، برخورد و تجمع افراد جامعه با یکدیگر عمل کرده است. تعامل اجتماعی کنش و واکنش رفتاری بین جمعی بیش از دو نفر است. ارتباط و نقش پذیری افراد در محیط به عنوان تعامل اجتماعی شناخته می شود. تعامل اجتماعی بر اساس منافع، قومیت، مذهب، سطح اقتصادی و نگرش های مشابه شکل می گیرد و باعث می شود افراد در فضاهای گوناگون احساس دل بستگی داشته باشند، حتی اگر مالکیتی بر آن نداشته باشند (Moghtader et al, ۲۰۲۰). اگر یک فضای جمعی دارای ویژگی های مطلوبی باشد، قابلیت جذب انسان ها را فراهم می آورد. عوامل ایجادکننده تعاملات اجتماعی در فضاهای جمعی مطابق جدول شماره ۲ ارائه می شود.

جدول ۲. عوامل ایجادکننده تعاملات اجتماعی در فضاهای جمعی (Source: dabiri &amp; zare, 2021)

| عامل                | ویژگی‌ها                                                                                                                                                                                                                                                                                                  |
|---------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| نزدیکی یا مجاورت    | برای همه گروه‌های سنی تعریف نمی‌شود.                                                                                                                                                                                                                                                                      |
| دوام                | مدت‌زمان ماندگاری افراد در محیط و استفاده از فضای جمعی                                                                                                                                                                                                                                                    |
| آشنایی              | حسن الفت با محیط اطراف به لحاظ داشتن عناصر به یادمانی و محیط مناسب                                                                                                                                                                                                                                        |
| آزادی جهت درنگ کردن | استفاده از فضای عمومی ممکن است شامل یک یا چندین فعالیت در سطوح فضا با دلایل متفاوت باشد که لازمه آن احساس راحتی فیزیکی و آسایش روانی در مخاطب است.                                                                                                                                                        |
| تسهیلات و خدمات     | وجود امکانات و تسهیلات تأثیر مستقیمی بر نشاط اجتماعی فضای جمعی دارد و به بالابردن تعامل در محیط کمک می‌کند. نظیر عناصری چون نیمکت‌ها، لبه‌ها، کیوسک‌های چندمنظوره، سطل زباله، سرویس‌ها، نشانه‌گذاری و تعریف مسیرها و ورودی‌ها                                                                             |
| ویژگی‌های فیزیکی    | طرح‌های فیزیکی فضا و محیط‌های ساخته‌شده اطراف از ویژگی‌های مهم محسوب می‌شوند که موفقیت آن به بهره‌مندی از عناصر زیبایی‌شناسی در محیط وابسته است.                                                                                                                                                          |
| دسترسی              | دعوت‌کننده بودن فضاهای عمومی و دسترسی آسان به این فضاها بر حضور مردم در فضا تأثیر بسزایی دارد که شامل قابلیت فضا به لحاظ کالبدی و بصری برای حضور و بهره‌مندی از آن در زمان‌ها و فصول مختلف سال است.                                                                                                       |
| حرکت                | تأکید بر حرکت پیاده در اجتماع‌پذیری فضای عمومی عامل مهمی به شمار می‌رود. اولویت حرکت در فضای جمعی بر اساس اولویت پیاده‌منجر به آرامش روانی و لذت بصری از محیط و احساس امنیت می‌شود و حس سرزندگی را افزایش می‌دهد. تجربه حیات پویای شهری و تحریک حسی از فضای جمعی تجاری هستند که در شهر سواره وجود ندارند. |

عوامل مؤثر بر اجتماع‌پذیری در دودسته کلی «کالبدی» و «فعالیتی» قرار می‌گیرند. عواملی که بر بعد کالبدی تأکید می‌کنند چون تأمین خلوت، قلمرو، خوانایی، آسایش و امنیت هستند و عواملی همچون تجارب محیطی، حضور و تعاملات اجتماعی بر بعد فعالیتی فضا اشاره دارند (dabiri & zare, ۲۰۲۱). جین جیکوبز بر نقش فضاهای عمومی شهری در ایجاد تعاملات اجتماعی تأکید می‌نماید. آنچه از شهر بیشتر به ذهن می‌ماند، فضاهای عمومی شهر به‌ویژه خیابان‌ها و پیاده‌روهای آن می‌باشند. افزایش نشست‌وبرخاست و امنیت پیاده‌رو، تأثیر وارونه‌ای بر جدایی و تبعیض نژادی دارد (Pakzad, ۲۰۰۷). دیدگاه‌های تعدادی از نظریه‌پردازان در رابطه با تعاملات اجتماعی مطابق جدول شماره ۳ ارائه می‌شود.

جدول ۳. دیدگاه‌های نظریه‌پردازان در رابطه با تعاملات اجتماعی

| نظریه‌پرداز   | سال  | تعریف                                                                                                                                                                                                                    |
|---------------|------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| Marx & Engels | ۱۸۴۸ | تعاملات اجتماعی تحت سلطه روابط طبقاتی و منازعه بر سر منابع مادی است. تعاملات، بازتولیدکننده نابرابری و ایدئولوژی حاکم هستند.                                                                                             |
| Durkheim      | ۱۸۹۳ | تعاملات اجتماعی توسط هنجارها و ارزش‌های جمعی (وجدان جمعی) تنظیم می‌شوند و انسجام اجتماعی را ایجاد می‌کنند. تعاملات، بازتابی از واقعیت اجتماعی فراتر از فرد هستند.                                                        |
| Pierre        | ۱۹۷۹ | تعاملات اجتماعی در عرصه‌های خاص رخ می‌دهد و توسط عادت‌واره (شکل‌های پایدار نگرش و عمل) و سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، نمادین) شکل می‌گیرد. تعاملات هم بازتولیدکننده و هم بالقوه تغییردهنده ساختارهای اجتماعی هستند. |
| Habermas      | ۱۹۸۱ | تعاملات اجتماعی ایده‌آل باید در موقعیت گفتار ایده‌آل و از طریق کنش ارتباطی (نه ابزاری) صورت گیرد، جایی که افراد به دنبال تفاهم متقابل هستند، بدون تحریف ناشی از قدرت یا ایدئولوژی.                                       |

چارچوب مفهومی این پژوهش بر اساس ترکیب دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلیدی تدوین شده است. جین جیکوبز (۱۹۶۱) بر نقش حیات پیاده‌رو و امنیت در افزایش تعاملات اجتماعی تأکید دارد و معتقد است پیاده‌روهای سرزنده و پررفت‌وآمد، زمینه را برای حضور، توقف و گفت‌وگوی شهروندان فراهم می‌کنند. یان گل (۲۰۱۱) طراحی انسان‌محور را شرط لازم برای شکل‌گیری فعالیت‌های اجتماعی می‌داند و معتقد است فضاهایی که امکان توقف، نشستن و مکث را فراهم می‌کنند، تعاملات چهره‌به‌چهره را افزایش می‌دهند. کارمونا (۲۰۰۹) ابعاد اجتماعی طراحی شهری را شامل دسترسی، امنیت، رابطه مردم و فضا، واحدهای همسایگی و قلمرو عمومی می‌داند. مدنی‌پور (۲۰۰۳) فضاهای عمومی را عرصه تحقق نیازهای چون تماس اجتماعی، احساس تعلق، دیده‌شدن و مشارکت معرفی می‌کند.

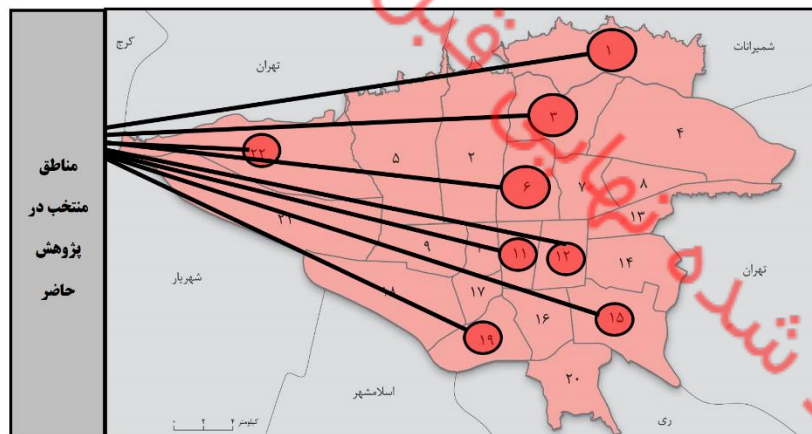
## محدوده مورد مطالعه

کلان شهر تهران به ۲۲ منطقه و ۱۱۲ ناحیه شهری تقسیم شده است که در سال ۱۳۹۵ خورشیدی جمعاً ۳۷۶ محله تشکیل می شد. مناطق منتخب تحقیق شامل مناطق (۱، ۳، ۶، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۹ و ۲۲) است. خلاصه ای از ویژگی های مناطق مورد مطالعه در این پژوهش در جدول شماره ۴ درج می شود.

جدول ۴. خلاصه ای از ویژگی های مناطق مورد مطالعه

| منطقه | موقعیت جغرافیایی   | ویژگی های شاخص و کاربری های عمده                                                                                                                             |
|-------|--------------------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| ۱     | شمال و شمال شرق    | منطقه ای کوهپایه ای، قطب گردشگری، دارای اماکن تاریخی (کاخ های سعدآباد و نیاوران)، سفارتخانه های متعدد، دانشگاه شهید بهشتی، بافت لوکس مسکونی و قیمت بالای ملک |
| ۳     | شمال شرق           | منطقه ای با پیشینه روستایی-بیلاقی، واقع در حدفاصل تهران قدیم و شمیران، دارای بافت شطرنجی و نوساز، دسترسی مناسب به شریان های اصلی                             |
| ۶     | مرکز-شمال          | منطقه ای اداری-تجاری، میزبان وزارتخانه های مهم (کشور، آموزش و پرورش)، قرارگیری دانشگاه های بزرگ (تهران، امیرکبیر)، دسترسی عالی با خطوط مترو                  |
| ۱۱    | مرکز               | هسته سیاسی و امنیتی کشور (میزبان بیت رهبری، نهاد ریاست جمهوری)، دارای بازارهای تخصصی فرا شهری، بافت قدیمی                                                    |
| ۱۲    | مرکز (هسته تاریخی) | هسته تاریخی تهران با ابنیه قاجاری و پهلوی، مرکز سیاسی (ساختمان مجلس)، بازار بزرگ تهران، مراکز خرید عمده فروشی، دسترسی مناسب به حمل و نقل عمومی               |
| ۱۵    | جنوب شرق           | منطقه ای با رشد سریع در دهه های اخیر، دارای دسترسی بسیار مناسب از طریق بزرگراه های متعدد، برخورداری از شهرک های مسکونی و فضای سبز                            |
| ۱۹    | جنوب غرب           | منطقه ای در حال توسعه در جنوب غربی تهران با تراکم جمعیتی متوسط                                                                                               |
| ۲۲    | شمال غرب           | وسیع ترین منطقه تهران، پیشگام در برج سازی با تراکم های بسیار بالا، دارای فضای سبز وسیع، دسترسی فرا شهری مناسب، پراکندگی کالبدی محلات                         |

شکل شماره ۱ مناطق مورد مطالعه در پژوهش حاضر را نشان می دهد.



شکل ۱. مناطق منتخب تهران در پژوهش حاضر (منبع: یافته های پژوهش، ۱۴۰۳)

## روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی است و از نظر ماهیت داده ها در زمره تحقیقات کیفی قرار دارد. این پژوهش با رویکردی تفسیری به دنبال درک عمیق پدیده تحول کالبدی فضاهای جمعی و تأثیر آن بر تعاملات اجتماعی در شهر تهران می باشد. جامعه آماری بخش کیفی این پژوهش شامل متخصصان، صاحب نظران و فعالان حوزه شهرسازی، معماری، طراحی شهری، جامعه شناسی شهری و مدیریت شهری است که دارای تجربه و تخصص کافی در زمینه فضاهای جمعی شهری و تعاملات اجتماعی هستند. این افراد شامل اساتید دانشگاه، پژوهشگران، مشاوران پروژه های شهری و مدیران شهری می باشند. روش نمونه گیری به کاررفته در این پژوهش، نمونه گیری هدفمند به روش گلوله برفی بوده است. به این

ترتیب که ابتدا تعدادی از متخصصان شناخته شده و صاحب نظر در حوزه فضاهای جمعی شهری شناسایی و مورد مصاحبه قرار گرفتند و سپس با پیشنهاد آنان، سایر افراد واجد شرایط به نمونه اضافه گردیدند. این فرآیند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت و در نهایت ۱۰ مصاحبه نیمه ساختاریافته با متخصصان انجام شد. ابزار اصلی جمع آوری داده ها در این پژوهش، مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. سؤالات مصاحبه بر اساس مبانی نظری پژوهش و با تمرکز بر اهداف تحقیق طراحی شد. مصاحبه ها به صورت حضوری و با کسب اجازه از مشارکت کنندگان ضبط و سپس به صورت متن پیاده سازی شد. برای تحلیل داده های کیفی، از رویکرد نظریه داده بنیاد و روش کدگذاری سه مرحله ای اشتراوس و کوربین استفاده شد. این رویکرد به محقق امکان می دهد تا از داده ها، نظریه یا مدل تئوریک استخراج کند. فرایند تحلیل در سه گام اصلی انجام شد: گام اول، کدگذاری باز که در آن متن مصاحبه ها خط به خط مطالعه و مفاهیم کلیدی استخراج شد و به هر مفهوم یک کد اولیه اختصاص داده شد که منجر به شناسایی ۱۶۵ کدباز نهایی شد. گام دوم، کدگذاری محوری که در آن کدهای باز بر اساس شباهت های مفهومی در قالب ۶ مقوله اصلی و ۱۸ مقوله فرعی طبقه بندی شدند. گام سوم، کدگذاری انتخابی که در آن مقوله محوری پژوهش تحت عنوان «تحول ماهیت کالبدی فضاهای جمعی شهر ایرانی» شناسایی و مدل پارادایمی بر اساس روابط سیستماتیک بین مقوله ها ترسیم شد. برای انجام فرایند کدگذاری و مدیریت داده ها، از نرم افزار تخصصی تحلیل کیفی مکس کیودا استفاده شد. همچنین از روش بازبینی توسط مشارکت کنندگان و بررسی توسط همتایان برای تأیید یافته ها بهره گرفته شد. در این پژوهش، اصول هشت گانه روش دلفی رعایت شده است که شامل: (۱) انتخاب پانل متخصصان شامل ۱۵ نفر از صاحب نظران حوزه شهرسازی، معماری، طراحی شهری، جامعه شناسی شهری و مدیریت شهری با حداقل ۱۰ سال سابقه تخصصی، (۲) ناشناس بودن پاسخ ها برای جلوگیری از تأثیرپذیری متخصصان از یکدیگر، (۳) انجام فرایند دلفی در سه دور متوالی (دور اول: مصاحبه نیمه ساختاریافته برای شناسایی عوامل، دور دوم: پرسشنامه بسته برای تعیین اهمیت عوامل با طیف لیکرت، دور سوم: تأیید نهایی و اولویت بندی)، (۴) ارائه بازخورد آماری به متخصصان پس از هر دور، (۵) تکرار دورها تا رسیدن به اجماع، (۶) تحلیل آماری پاسخ ها، (۷) گزارش نتایج هر دور به همراه پرسشنامه دور بعد، (۸) اعتباریابی یافته ها توسط سه متخصص خارج از پانل و محاسبه ضریب توافق کندانال. مشخصات مصاحبه شوندگان در جدول شماره ۵ درج شده است. در این پژوهش، جامعه شناسان شهری نیز به دلیل تخصص در حوزه تعاملات اجتماعی و فضاهای عمومی، در کنار سایر متخصصان (شهرساز، معمار، مدیر شهری، طراح شهری) در پانل متخصصان قرار گرفته اند. رویکرد میان رشته ای پژوهش، مشارکت همه این گروه ها را ضروری ساخته است.

جدول ۵. مشخصات مصاحبه شوندگان

| کد | تخصص                                 | سابقه فعالیت (سال) | مدرک تحصیلی            |
|----|--------------------------------------|--------------------|------------------------|
| ۱۱ | شهر ساز و طراح شهری                  | ۱۸                 | دکتری شهرسازی          |
| ۱۲ | معمار و پژوهشگر فضاهای عمومی         | ۱۵                 | دکتری معماری           |
| ۱۳ | مدیر شهری و برنامه ریز               | ۲۲                 | دکتری مدیریت شهری      |
| ۱۴ | جامعه شناس شهری                      | ۱۲                 | دکتری جامعه شناسی      |
| ۱۵ | طراح شهری و مشاور پروژه های شهری     | ۱۴                 | دکتری طراحی شهری       |
| ۱۶ | شهر ساز و استاد دانشگاه              | ۲۵                 | دکتری شهرسازی          |
| ۱۷ | معمار و پژوهشگر فضاهای تاریخی        | ۱۶                 | دکتری معماری           |
| ۱۸ | برنامه ریز شهری و مشاور شهرداری      | ۲۰                 | دکتری برنامه ریزی شهری |
| ۱۹ | طراح شهری و کارشناس فضاهای عمومی     | ۱۱                 | دکتری طراحی شهری       |
| ۲۰ | جامعه شناس و پژوهشگر تعاملات اجتماعی | ۱۳                 | دکتری جامعه شناسی شهری |

## نتایج و بحث

برای تحلیل داده های کیفی، از رویکرد نظریه داده بنیاد و روش کدگذاری سه مرحله ای اشتراوس و کوربین استفاده شد که یکی از معتبرترین و پرکاربردترین روش ها در تحلیل داده های کیفی به شمار می رود. این رویکرد به محقق امکان

می دهد تا از دل داده ها، نظریه یا مدل تئوریک استخراج کند و نه اینکه داده ها را صرفاً در قالب نظریه های موجود تفسیر کند. فرایند تحلیل در نظریه داده بنیاد شامل سه گام اصلی است که به صورت تکرارشونده و مداوم انجام می شود. گام اول، کدگذاری باز است که در آن متن مصاحبه ها به دقت خوانده شده و مفاهیم کلیدی و کدهای اولیه از جملات و پاراگراف ها استخراج می شود و به هر مفهوم یا ایده کلیدی یک برچسب (کد) اختصاص داده می شود. گام دوم، کدگذاری محوری است که در آن کدهای باز بر اساس شباهت ها و ارتباطات مفهومی در قالب مقوله های فرعی و سپس مقوله های اصلی طبقه بندی می شوند و روابط بین مقوله ها شناسایی می گردد. گام سوم، کدگذاری انتخابی است که در آن مقوله محوری شناسایی شده و ارتباط منطقی و سیستماتیک تمامی مقوله ها در قالب یک مدل یکپارچه (مدل پارادایمی) ترسیم می شود که نشان دهنده ساختار کلی پدیده مورد مطالعه است. برای انجام این فرایند پیچیده و زمان بر کدگذاری و مدیریت حجم بالای داده های متنی، از نرم افزار تخصصی تحلیل کیفی مکس کیودا استفاده شد که امکانات گسترده ای برای کدگذاری، طبقه بندی، جست و جو، ترسیم نمودارها و شبکه های مفهومی و استخراج گزارش های آماری از داده های کیفی فراهم می کند.

### کدگذاری باز

در مرحله اول تحلیل، متن پیاده شده مصاحبه ها به دقت و خط به خط مطالعه و بررسی شد و هر جمله، عبارت یا پاراگرافی که حاوی مفهوم یا ایده کلیدی مرتبط با موضوع پژوهش بود، شناسایی و کدگذاری گردید. در این مرحله، محقق تلاش کرد تا بدون پیش داوری و با ذهنی باز، تمامی مفاهیم موجود در متن را استخراج کند حتی اگر در ابتدا ارتباط مستقیم آن ها با سؤالات پژوهش مشخص نبود. این فرایند منجر به شناسایی مجموعاً ۳۴۲ کد اولیه از متن ۱۰ مصاحبه شد که برخی از این کدها مفاهیم تکراری یا بسیار مشابه به یکدیگر بودند. پس از بررسی دقیق این کدهای اولیه، کدهای تکراری حذف شدند و کدهای مشابه یا نزدیک به هم در قالب یک کد واحد ادغام گردیدند تا از پراکندگی بیش از حد جلوگیری شود و مدیریت داده ها ساده تر گردد. این فرایند پالایش و ادغام منجر به کاهش تعداد کدها به ۱۶۵ کدباز نهایی شد که هر یک نماینده یک مفهوم منحصر به فرد و مهم در زمینه تحولات کالبدی فضاهای جمعی و تعاملات اجتماعی بود. در جدول شماره ۶، نمونه هایی از متن مصاحبه ها و کدهای استخراج شده از آن ها ارائه شده است تا فرایند کدگذاری باز به صورت عملی نشان داده شود. این نمونه ها نشان می دهند که چگونه از جملات و عبارات مصاحبه شوندگان، مفاهیم کلیدی استخراج و به صورت کد درآمده اند.

جدول ۶. نمونه هایی از کدگذاری باز

| کد مصاحبه | متن مصاحبه (نمونه)                                                                                                                                                           | کد مصاحبه | متن مصاحبه                                                                                                                                                   |
|-----------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| M1        | در دوره پهلوی، مهم ترین تحول کالبدی در فضاهای جمعی، گذار از ساختار اراگانیک و درون گرا به الگوی مدرن خیابان محور بود                                                         | M2        | طراحی فراگیر (برای زنان، کودکان، سالمندان و معلولان)، فضاهای فرهنگی مشارکتی و پروژه های بازآفرینی شهری از ویژگی های دوره جدید است                            |
| M1        | ایجاد بلوارهای عریض، میدان های هندسی، پارک های عمومی و مجموعه های فرهنگی تفریحی، شهرهای ایران را از الگوی سنتی مبتنی بر بازار و محلات به مدل جدیدی از فضاهای جمعی انتقال داد | M2        | تأکید بر پایداری محیطی، کاهش وابستگی به خودرو، ایجاد فضاهای جمعی محله محور و افزایش کیفیت فضا از ویژگی های دوره جدید است                                     |
| M1        | این دوره شاهد شکل گیری فضاهایی مانند پهلوی نوین (ولیعصر)، پارک شهر و میدان های مدرن بود که با محوریت حرکت سواره، نظم فضایی و نمادسازی سیاسی طراحی شدند                       | M3        | در عصر حاضر، فضاهای عمومی تهران متنوع و چندمنظوره شده اند و امکان حضور و تعامل گروه های مختلف بیشتر شده است                                                  |
| M1        | در عصر حاضر، تحول کالبدی فضاهای جمعی به سمت انسان محوری، بازآفرینی شهری و احیای فضاهای میان مقیاس حرکت کرده است                                                              | M3        | باین حال، چالش هایی مانند سلطه خودرو بر فضاهای شهری، کاهش مشارکت محله ای و ضعف اعتماد اجتماعی باعث شده روابط شهروندان در سطح عمیق و پایدار همچنان محدود باشد |
| M1        | پیاده روستازی، بهبود کیفیت فضاهای باز، توسعه فضاهای فرهنگی چندمنظوره و پروژه های بازآفرینی بافت های فرسوده نشانه های مهم این دوره هستند                                      | M4        | در دوره پهلوی، تحول کالبدی فضاهای جمعی با نوسازی شهری، خیابان کشی های شطرنجی، ایجاد میدان ها و بلوارهای مدرن، ساخت پارک ها و فضاهای عمومی جدید همراه شد      |

|    |                                                                                                                                                                      |    |                                                                                                                                                              |
|----|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| M1 | کیفیت فضایی به جای صرف فرم کالبدی، به شاخص‌هایی مانند حضور پذیر، امنیت، خوانایی و تجربه زیسته گره خورده است                                                          | M4 | تخریب بخشی از بافت‌های سنتی و شکل‌گیری ساختمان‌های دولتی و میدان‌ها حکومتی از مهم‌ترین دستاوردهای این عصر بودند                                              |
| M2 | الگوی غالب، الگوبرداری از شهرسازی غربی با تمرکز بر نظم، سرعت، خودرو و دولت‌محوری بود                                                                                 | M5 | فضاهای عمومی جدید توانسته‌اند تا حدی برخی نقش‌های فرهنگی فضاهای سنتی مانند میدان‌ها را بازآفرینی کنند، به‌ویژه در ایجاد محل تجمع، فعالیت‌های تفریحی و فرهنگی |
| M2 | در عصر حاضر، تحولات کالبدی بیشتر به سمت انسان‌محوری حرکت کرده و شامل گسترش پیاده‌راه‌ها، توسعه فضاهای عمومی چندمنظوره، احیای بافت‌های تاریخی، توجه به فضاهای سبز است | M5 | بالین‌حال، این فضاها غالباً سطحی و تفریحی هستند و عمق هویت فرهنگی، کارکردهای اقتصادی و مذهبی و تعامل محله محور میدان‌های سنتی را به‌طور کامل منتقل نمی‌کنند  |

جدول ۶ نمونه‌هایی از فرایند کدگذاری باز را نشان می‌دهد که چگونه از متن خام مصاحبه‌ها، مفاهیم کلیدی استخراج و به‌صورت کد درآمدند. در این مرحله، هر جمله یا عبارت کلیدی از متن مصاحبه‌ها به‌صورت مفهومی کدگذاری شد و به آن یک برچسب مشخص داده شد. برای مثال، عبارت گذار از ساختار ارگانیک و درون‌گرا به الگوی مدرن خیابان‌محور به‌عنوان یک کدباز با عنوان گذار از ساختار ارگانیک به خیابان‌محور شناسایی گردید که این کد نشان‌دهنده یکی از مهم‌ترین تحولات کالبدی در دوره پهلوی است. این فرایند برای تمامی ۱۰ مصاحبه به‌دقت و با حساسیت بالا انجام شد تا اطمینان حاصل شود که هیچ مفهوم مهمی از قلم نیفتد و درنهایت ۱۶۵ کدباز منحصربه‌فرد استخراج گردید که مبنای مراحل بعدی تحلیل قرار گرفتند.

### کدگذاری محوری

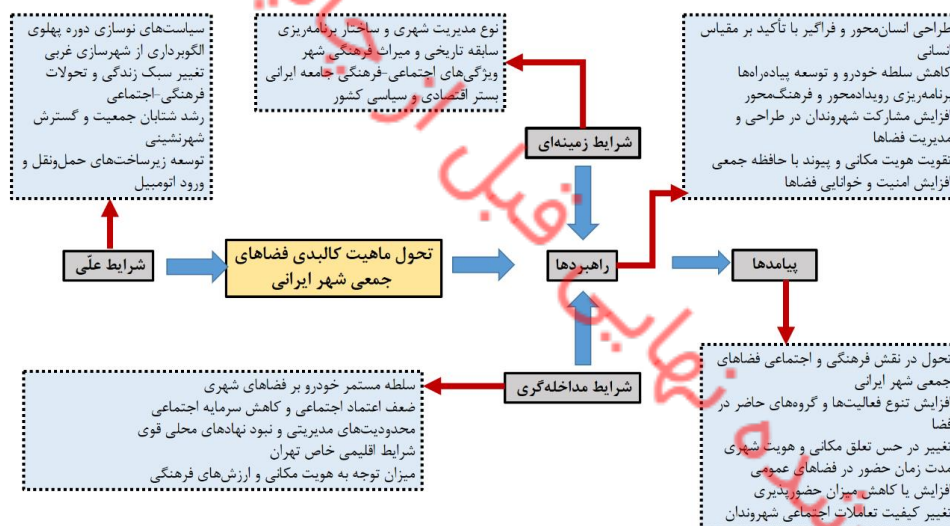
در مرحله دوم، کدهای باز با تمرکز بر شباهت‌های مفهومی و ارتباطات منطقی، در قالب ۶ مقوله اصلی و ۱۸ مقوله فرعی سازمان‌دهی شدند. این فرایند از طریق مقایسه مستمر کدها و تفکر انتقادی انجام شد تا هر کد در جایگاه مفهومی صحیح خود قرار گیرد. مقوله‌های اصلی نهایی عبارت‌اند از: تحولات کالبدی-فضایی (شامل تحولات دوره پهلوی، معاصر و تغییرات ساختاری)، عوامل مؤثر در تحول (شامل عوامل سیاسی-مدیریتی، اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، فناوری و زیرساخت و جمعیتی-جغرافیایی)، کیفیت تعاملات اجتماعی (شامل تعاملات دوره پهلوی، معاصر و شاخص‌های کیفیت)، نقش فرهنگی فضاها (شامل نقش فضاهای سنتی، جدید و چالش‌های فرهنگی)، چالش‌ها و موانع (شامل موانع کالبدی و اجتماعی-مدیریتی) و راهبردها و راهکارها (شامل راهبردهای کالبدی-طراحی، فرهنگی-اجتماعی و مدیریتی). بر اساس تحلیل جدول ۷، یافته‌های کیفی در چارچوب ۶ مقوله اصلی و ۱۸ مقوله فرعی سازمان‌دهی شده که درمجموع ۴۷۴ اشاره کدی را به خود اختصاص داده‌اند. در سطح مقوله‌های فرعی، تحولات دوره پهلوی (۴۲ اشاره)، تحولات دوره معاصر (۳۸ اشاره) و راهبردهای کالبدی-طراحی (۳۴ اشاره) بیشترین فراوانی را دارا می‌باشند که نشان از توجه ویژه متخصصان به سیر تحولات تاریخی و ارائه راهکارهای عملی دارد. در سطح کلان‌تر، مقوله عوامل مؤثر در تحول با ۱۱۷ اشاره به‌عنوان پیش‌نیاز طراحی راهبردهای مناسب، جایگاه محوری در دیدگاه متخصصان داشته است. این تحلیل کمی از داده‌های کیفی، اولویت‌بندی موضوعات از منظر متخصصان را نمایان ساخته و مبنای مناسبی برای تفسیر یافته‌ها و فرمولاسیون پیشنهادها کاربردی فراهم می‌کند. همچنین بر اساس داده‌های جدول ۷، توزیع فراوانی مقوله‌های اصلی نشان می‌دهد که عوامل مؤثر در تحول با ۲۴٫۷ درصد (۱۱۷ اشاره) اولویت اصلی متخصصان بوده که بر ضرورت شناخت علل تحولات برای برنامه‌ریزی آینده تأکید دارد. تحولات کالبدی-فضایی با ۲۲٫۸ درصد (۱۰۸ اشاره) در رتبه دوم و راهبردها و راهکارها با ۱۸٫۶٪ (۸۸ اشاره) در رتبه سوم قرار گرفته‌اند. این توالی نشان می‌دهد متخصصان روند منطقی از تحلیل علل و سیر تحولات تا ارائه راهکارهای عملی را دنبال کرده‌اند. سایر مقوله‌ها شامل کیفیت تعاملات اجتماعی (۱۴٫۶٪)، نقش فرهنگی فضاها (۱۲٫۲٪) و چالش‌ها و موانع (۷٫۲٪) به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

### جدول ۷. فراوانی و درصد مقوله‌های اصلی

| مقوله اصلی            | فراوانی کل اشارات | درصد |
|-----------------------|-------------------|------|
| تحولات کالبدی-فضایی   | ۱۰۸               | ۲۲٫۸ |
| عوامل مؤثر در تحول    | ۱۱۷               | ۲۴٫۷ |
| کیفیت تعاملات اجتماعی | ۶۹                | ۱۴٫۶ |

|      |     |                     |
|------|-----|---------------------|
| ۱۲,۲ | ۵۸  | نقش فرهنگی فضاها    |
| ۷,۲  | ۳۴  | چالش‌ها و موانع     |
| ۱۸,۶ | ۸۸  | راهبردها و راهکارها |
| ۱۰۰  | ۴۷۴ | جمع                 |

در مرحله سوم تحلیل کیفی، پدیده محوری پژوهش تحت عنوان تحول ماهیت کالبدی فضاهای جمعی شهر ایرانی، شناسایی و مدل پارادایمی مبتنی بر روابط سیستماتیک بین مقوله‌ها ترسیم گردید. بر این اساس، شرایط علی شامل سیاست‌های نوسازی دوره پهلوی، الگوبرداری از شهرسازی غربی، تغییر سبک زندگی، رشد جمعیت و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل بوده است. این تحول در بستر شرایط زمینه‌ای نظیر ساختار مدیریت شهری، میراث فرهنگی، ویژگی‌های اجتماعی-فرهنگی و بستر اقتصادی-سیاسی رخ داده و تحت تأثیر شرایط مداخله‌گر مانند سلطه خودرو، کاهش سرمایه اجتماعی و محدودیت‌های مدیریتی قرار گرفته است. در پاسخ به این پدیده، راهبردهایی شامل طراحی انسان‌محور، کاهش سلطه خودرو، برنامه‌ریزی فرهنگ‌محور و تقویت هویت مکانی پیشنهاد شده که پیامدهای آن در قالب تغییر کیفیت تعاملات اجتماعی، افزایش حضورپذیری و تحول نقش فرهنگی فضاهای جمعی تبلور می‌یابد. مدل پارادایمی تحول ماهیت کالبدی فضاهای جمعی و تأثیر آن بر تعاملات اجتماعی در شکل شماره ۲ نشان داده می‌شود.



شکل ۲: مدل پارادایمی تحول ماهیت کالبدی فضاهاى جمعی و تأثیر آن بر تعاملات اجتماعی

ماتریس همبستگی مؤلفه‌های کیفی

شکل شماره ۳ ماتریس ارتباطات بین شش مقوله اصلی استخراج شده از تحلیل کیفی را نشان می‌دهد که بر اساس فراوانی هم‌رخدادی کدها و ارجاعات متقابل در مصاحبه‌ها محاسبه شده است. این ماتریس نشان می‌دهد که قوی‌ترین ارتباط بین مقوله «راهبردها و راهکارها» و سایر مقوله‌ها وجود دارد که بیانگر این است که متخصصان در بحث درباره هر مقوله، به‌طور طبیعی به ارائه راهکارها و پیشنهادات نیز می‌پردازند. همچنین، ارتباط قوی بین «تحولات کالبدی-فضایی» و «کیفیت تعاملات اجتماعی» (قوی) تأییدی بر فرضیه اصلی پژوهش است که تحولات کالبدی تأثیر مستقیم بر تعاملات اجتماعی دارند. ارتباط قوی بین «عوامل مؤثر در تحول» و «چالش‌ها و موانع» (قوی) نشان می‌دهد که عوامل تاریخی و ساختاری که منجر به تحولات شدند، خود به‌عنوان چالش‌های امروز نیز عمل می‌کنند. مقوله «نقش فرهنگی فضاها» ارتباط قوی با «کیفیت تعاملات اجتماعی» و «چالش‌ها و موانع» دارد که بیانگر اهمیت بُعد فرهنگی در شکل‌دهی به تعاملات و همچنین ضعف نقش فرهنگی فضاها در عنوان یک چالش اساسی است. ارتباط متوسط برخی مقوله‌ها مانند «نقش فرهنگی» با «تحولات کالبدی» نشان می‌دهد که اگرچه این دو مقوله مرتبط هستند، اما در گفتمان

متخصصان همواره به صورت هم زمان مطرح نمی شوند. این ماتریس ابزار مفیدی برای درک ساختار کلی یافته های کیفی و شناسایی حوزه های هم پوشانی و تمایز بین مقوله هاست.

| مقوله                 | تحولات کالبدی- فضایی | عوامل مؤثر در تحول | کیفیت تعاملات اجتماعی | نقش فرهنگی فضاها | چالش ها و موانع | راهبردها و راهکارها |
|-----------------------|----------------------|--------------------|-----------------------|------------------|-----------------|---------------------|
| تحولات کالبدی- فضایی  | -                    | قوی                | قوی                   | متوسط            | متوسط           | قوی                 |
| عوامل مؤثر در تحول    | قوی                  | -                  | متوسط                 | متوسط            | قوی             | قوی                 |
| کیفیت تعاملات اجتماعی | قوی                  | متوسط              | -                     | قوی              | قوی             | قوی                 |
| نقش فرهنگی فضاها      | متوسط                | متوسط              | قوی                   | -                | قوی             | متوسط               |
| چالش ها و موانع       | متوسط                | قوی                | قوی                   | قوی              | -               | قوی                 |
| راهبردها و راهکارها   | قوی                  | قوی                | قوی                   | متوسط            | قوی             | -                   |

ارتباط قوی      ارتباط متوسط      قوت اصلی

شکل ۳. نمودار ماتریس همبستگی مؤلفه های کیفی

### تحلیل گره های کلیدی و مؤلفه های محوری

بر اساس تحلیل گره های کلیدی در جدول ۸، «عوامل سیاسی- مدیریتی» به عنوان گره محوری با دارا بودن بالاترین مرکزیت (۳۱ اشاره و ۵ ارتباط)، نقش تعیین کننده ای در تحول کالبدی فضاها جمع می کند. در کنار آن، چهار گره کلیدی شامل «تحولات دوره پهلوی» با بیشترین فراوانی (۴۲ اشاره)، «سلطه خودرو» با بیشترین تعداد ارتباط (۶ ارتباط)، «ضعف اعتماد اجتماعی» و «راهبردهای کالبدی- طراحی» شناسایی شدند. تحلیل روابط علی نشان می دهد که تحولات دوره پهلوی به طور قوی زمینه ساز سلطه خودرو شده و این پدیده به نوبه خود به صورت زنجیره وار به تضعیف اعتماد اجتماعی و کاهش مشارکت محله ای انجامیده است. در مقابل، راهبردهای کالبدی- طراحی به عنوان پاسخی واکنشی به چالش سلطه خودرو شکل گرفته اند، به طوری که مداخلاتی مانند پیاده راه سازی و تنوع کاربری به طور مستقیم و قوی بر افزایش حضور پذیری و تقویت تعاملات اجتماعی تأثیر می گذارند. این یافته ها بر ضرورت تمرکز بر عوامل سیاسی- مدیریتی و کاهش سلطه خودرو به عنوان اهرم های کلیدی در برنامه ریزی آتی فضاها جمع تأکید می کنند.

جدول ۸. شناسایی مقوله های کلیدی بر اساس میزان تأثیرگذاری و مرکزیت

| مقوله/مؤلفه             | فراوانی اشاره | تعداد ارتباطات | درجه مرکزیت | نقش در مدل |
|-------------------------|---------------|----------------|-------------|------------|
| عوامل سیاسی- مدیریتی    | ۳۱            | ۵              | بسیار بالا  | گره محوری  |
| تحولات دوره پهلوی       | ۴۲            | ۴              | بالا        | گره کلیدی  |
| سلطه خودرو              | ۱۹            | ۶              | بالا        | گره کلیدی  |
| ضعف اعتماد اجتماعی      | ۱۵            | ۵              | بالا        | گره کلیدی  |
| راهبردهای کالبدی- طراحی | ۳۴            | ۵              | بالا        | گره کلیدی  |
| تنوع کاربری             | ۱۲            | ۴              | متوسط       | گره فرعی   |
| برنامه ریزی رویداد محور | ۲۹            | ۴              | متوسط       | گره فرعی   |
| مشارکت شهروندان         | ۲۹            | ۵              | متوسط       | گره فرعی   |
| بازآفرینی نقش فرهنگی    | ۲۳            | ۳              | متوسط       | گره فرعی   |
| نوسازی شهری             | ۱۵            | ۳              | متوسط       | گره فرعی   |

تحلیل روابط درونی مدل در جدول شماره ۹ درج می شود.

جدول ۹. تحلیل روابط علی و تأثیرات متقابل بین مقوله های فرعی

| مقوله فرعی              | مقوله فرعی (مقصد)   | نوع رابطه | شدت تأثیر | نمونه از متن مصاحبه                                     |
|-------------------------|---------------------|-----------|-----------|---------------------------------------------------------|
| تحولات دوره پهلوی       | سلطه خودرو          | علی (→)   | قوی       | خیابان کشی های عریض دوره پهلوی زمینه ساز تسلط خودرو شد  |
| سلطه خودرو              | ضعف اعتماد اجتماعی  | علی (→)   | متوسط     | فضاهای خودرو محور امکان تعامل چهره به چهره را کاهش داده |
| ضعف اعتماد اجتماعی      | کاهش مشارکت محله ای | علی (→)   | قوی       | وقتی اعتماد نباشد، مردم در امور محله مشارکت نمی کنند    |
| مدیریت متمرکز           | فقدان فعالیت خودجوش | علی (→)   | قوی       | طراحی بالابه پایین مانع از ابتکارات مردمی می شود        |
| پیاده راه سازی          | افزایش تعاملات      | علی (→)   | قوی       | پیاده راه ها فرصت مکث و گفتگو ایجاد کرده اند            |
| تنوع کاربری             | حضور پذیری          | علی (→)   | قوی       | ترکیب کاربری ها باعث حضور مستمر مردم می شود             |
| احساس تعلق              | حضور پذیری          | علی (→)   | قوی       | وقتی فضا برای شهروند معنا داشته باشد، بیشتر حاضر می شود |
| برنامه ریزی رویداد محور | احساس تعلق          | علی (→)   | متوسط     | رویدادهای محلی حس تعلق را تقویت می کنند                 |
| سلطه خودرو              | راهبردهای کالبدی    | واکنش (←) | قوی       | باید با پیاده راه سازی سلطه خودرو را کاهش دهیم          |
| ضعف هویت فرهنگی         | راهبردهای فرهنگی    | واکنش (←) | قوی       | نیاز به پیوند فضاها با حافظه جمعی است                   |

بر اساس تحلیل عمیق مصاحبه ها و استخراج دیدگاه های متخصصان، عوامل کلیدی و تأثیرگذار بر کیفیت تعاملات اجتماعی در فضاهای جمعی شهری شناسایی و دسته بندی شدند. این عوامل در سه دسته اصلی کالبدی-فضایی، اجتماعی-فرهنگی و مدیریتی طبقه بندی می شوند که هر کدام شامل عوامل فرعی متعددی هستند. شناخت این عوامل و اهمیت نسبی آن ها برای طراحان شهری، برنامه ریزان و مدیران شهری از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا می تواند مبنای طراحی مداخلات و راهبردهای مؤثر برای بهبود کیفیت تعاملات اجتماعی قرار گیرد. در جدول شماره ۱۰ این عوامل به همراه شرح مختصری از هر یک و میزان اهمیت آن ها بر اساس فراوانی اشاره در مصاحبه ها ارائه شده است. اهمیت هر عامل بر اساس تعداد دفعاتی که در مصاحبه های مختلف به آن اشاره شده است در سه سطح بسیار بالا، بالا و متوسط طبقه بندی شده است. جدول نشان می دهد که عوامل مؤثر بر کیفیت تعاملات اجتماعی شامل سه دسته اصلی کالبدی-فضایی، اجتماعی-فرهنگی و مدیریتی هستند که هر کدام نقش مهمی در شکل دهی به تعاملات اجتماعی ایفا می کنند. عواملی همچون طراحی انسان محور، تنوع کاربری، برنامه ریزی رویداد محور، مشارکت شهروندان، اعتماد اجتماعی، امنیت محیطی و کاهش سلطه خودرو دارای بالاترین اهمیت هستند که در اکثر مصاحبه ها به عنوان ضروری ترین عوامل بارها و بارها به آن ها اشاره شده است. این یافته بسیار مهم نشان می دهد که بهبود کیفیت تعاملات اجتماعی نیازمند رویکرد چندبعدی و یکپارچه است که همزمان ابعاد کالبدی، اجتماعی و مدیریتی را در نظر بگیرد و نمی توان با تمرکز صرف بر یک بعد به نتایج مطلوب دست یافت. به عبارت دیگر، طراحی فیزیکی خوب تنها در صورتی مؤثر خواهد بود که با برنامه ریزی فرهنگی-اجتماعی مناسب و مدیریت کارآمد همراه باشد.

نحوه اهمیت بندی عوامل در جدول شماره ۱۰ بر اساس خروجی نرم افزار مکس کیودا و با استفاده از شاخص «فراوانی کدگذاری» تعیین شده است. عواملی که در بیش از ۷۰ درصد مصاحبه ها کدگذاری شده اند، در سطح «بسیار بالا»، عواملی با فراوانی بین ۵۰ تا ۷۰ درصد در سطح «بالا» و عواملی با فراوانی کمتر از ۵۰ درصد در سطح «متوسط» قرار گرفته اند.

جدول ۱۰. عوامل کلیدی مؤثر بر کیفیت تعاملات اجتماعی

| دسته عوامل         | عامل         | شرح                                                                                      | اهمیت |
|--------------------|--------------|------------------------------------------------------------------------------------------|-------|
| عوامل کالبدی-فضایی | طراحی        | ایجاد فضاهایی با مقیاس انسانی که به جای تمرکز بر خودرو، بر نیازهای انسان تمرکز دارد، نصب | بسیار |
|                    | انسان محور   | میلان مناسب مانند نیمکت های راحت، امکان مکث و نشست طولانی مدت                            | بالا  |
|                    | دسترسی       | سهولت دسترسی پیاده به فضا از نقاط مختلف، ارتباط بصری و فیزیکی با فضاهای دیگر، کاهش       | بالا  |
|                    | نفوذپذیری    | موانع فیزیکی و روان شناختی ورود                                                          | بالا  |
| تنوع کاربری        | خوانایی فضا  | وضوح ساختار فضایی و قابل فهم بودن آن، جهت یابی آسان و بدون سردرگمی، وجود عناصر           | بالا  |
|                    | تنوع کاربری  | ترکیب کاربری های مختلف (مسکونی، تجاری، فرهنگی، خدماتی) در یک فضا، وجود فضاهای            | بسیار |
|                    | آسایش فیزیکی | چندمنظوره که قابلیت برگزاری فعالیت های متنوع را دارند                                    | بالا  |
|                    |              | وجود سایه و محافظت در برابر آفتاب، تهویه مناسب و گردش هوا، محافظت در برابر عوامل جوی     | متوسط |
|                    |              | نامطلوب (باد، باران، سرما)                                                               |       |

|                        |                                                                                                                                              |                                                                                                                             |            |
|------------------------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------|
| زیبایی و جذابیت بصری   | طراحی نماهای جذاب و زیبا، استفاده از المان‌های هنری و تزئینی، رنگ‌آمیزی مناسب و هماهنگ، وجود فضای سبز و عناصر طبیعی                          | بالا                                                                                                                        |            |
| مبلمان و تجهیزات       | نصب نیمکت‌های کافی و راحت، سطوح‌های زباله، نورپردازی مناسب، آبنماها، المان‌های بازی برای کودکان                                              | بالا                                                                                                                        |            |
| برنامه‌ریزی رویدادمحور | برگزاری جشنواره‌های محلی و فرهنگی، نمایشگاه‌های هنری و صنایع دستی، بازارهای هفتگی و فصلی، کنسرت‌ها و نمایش‌های خیابانی                       | بسیار بالا                                                                                                                  |            |
| مشارکت شهروندان        | درگیر کردن مردم در فرایند طراحی فضاها، تشکیل شوراهای محلی برای مدیریت فضا، برگزاری جلسات مشورتی و نظرسنجی، طراحی مشارکتی و باغچه‌های اشتراکی | بسیار بالا                                                                                                                  |            |
| عوامل اجتماعی - فرهنگی | اعتماد اجتماعی                                                                                                                               | ایجاد احساس امنیت و اطمینان در فضا، افزایش اعتماد شهروندان به یکدیگر، نظارت اجتماعی طبیعی، حضور مستمر افراد                 | بسیار بالا |
| هویت و حس تعلق         | ایجاد پیوند با حافظه جمعی و تاریخ محله، استفاده از عناصر تاریخی و فرهنگی بومی، نام‌گذاری معنادار مکان‌ها، روایت‌های محلی و داستان‌های شهر    | بالا                                                                                                                        |            |
| فراگیری اجتماعی        | دسترسی برابر برای همه گروه‌های اجتماعی، توجه به نیازهای زنان، کودکان، سالمندان و افراد دارای معلولیت، فضاهای امن برای همه                    | بالا                                                                                                                        |            |
| مدیریت مشارکتی         | واگذاری مدیریت فضاها به نهادهای محلی و مردمی، حمایت مالی و فنی از ابتکارات مردمی، بودجه مشارکتی برای پروژه‌های محله‌ای                       | بالا                                                                                                                        |            |
| امنیت محیطی            | نورپردازی کافی و مناسب به‌ویژه در شب، دید باز و عدم وجود نقاط کور، نظارت طبیعی از طریق حضور دائمی افراد، نگهبانی و خدمات نظافت               | بسیار بالا                                                                                                                  |            |
| عوامل مدیریتی          | کاهش سلطه خودرو                                                                                                                              | توسعه پیاده‌راه‌ها و اولویت دادن به پیاده، محدودیت تردد خودرو در مناطق مرکزی، ایجاد پارکینگ‌های محیطی و دور از فضاهای عمومی | بسیار بالا |
| نگهداری و بهره‌برداری  | برنامه نگهداری منظم و مستمر، تعمیرات به‌موقع تجهیزات و مبلمان، تمیزی و پاکیزگی فضا، مدیریت صحیح رویدادها                                     | متوسط                                                                                                                       |            |

بر اساس تحلیل جامع مصاحبه‌ها، متخصصان مجموعه گسترده‌ای از راهبردها و راهکارهای عملی را برای افزایش کیفیت تعاملات اجتماعی در فضاهای جمعی پیشنهاد کرده‌اند که این راهبردها می‌توانند به عنوان دستورالعمل‌های کاربردی برای طراحان شهری، برنامه‌ریزان و مدیران شهری مورد استفاده قرار گیرند. این راهبردها در سه دسته اصلی راهبردهای کالبدی-طراحی، راهبردهای فرهنگی-اجتماعی و راهبردهای مدیریتی طبقه‌بندی شده‌اند و برای هر راهبرد، اقدامات پیشنهادی مشخص و عملی ارائه شده است. همچنین، بر اساس فراوانی اشاره به هر راهبرد در مصاحبه‌ها، سطح اولویت هر یک در سه سطح ۱ (اولویت بسیار بالا)، ۲ (اولویت بالا) و ۳ (اولویت متوسط) مشخص شده است. در جدول شماره ۱۱، این راهبردها به همراه اقدامات پیشنهادی و اولویت آن‌ها ارائه شده است که می‌تواند چارچوبی جامع برای برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های بهبود فضاهای جمعی فراهم آورد.

جدول ۱۱. راهبردهای پیشنهادی برای افزایش کیفیت تعاملات اجتماعی

| اولویت | اقدامات پیشنهادی                                                                                                                                                                                                            | راهبرد                       | دسته راهبرد            |
|--------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------|------------------------|
| ۱      | ایجاد مقیاس انسانی در فضاها با کاهش ارتفاع ساختمان‌ها در حاشیه، نصب مبلمان مناسب و کافی شامل نیمکت‌های راحت و سایه‌بان‌ها، ایجاد دسترسی آسان و بدون مانع برای معلولان و سالمندان، طراحی فضاهای ایمن و جذاب برای بازی کودکان | طراحی انسان محور و فراگیر    | راهبردهای کالبدی-طراحی |
| ۱      | توسعه پیاده‌راه‌ها و اولویت‌دهی به حرکت پیاده، اعمال محدودیت تردد خودرو در مناطق مرکزی و فضاهای تاریخی، توسعه شبکه حمل و نقل عمومی کارآمد، ایجاد پارکینگ‌های محیطی دور از مراکز فعالیت                                      | کاهش سلطه خودرو              |                        |
| ۲      | نصب عناصر راهنمای بصری و تابلوهای اطلاع‌رسانی واضح، ایجاد مسیرهای مشخص و قابل تشخیص، استفاده از رنگ و بافت برای تمایز فضاها، وضوح ورودی‌ها و خروجی‌ها                                                                       | افزایش خوانایی               |                        |
| ۱      | ترکیب کاربری‌های مختلف (مسکونی، تجاری، فرهنگی) در یک فضا، طراحی فضاهای انعطاف‌پذیر قابل تغییر بر اساس نیاز، ایجاد امکان برگزاری فعالیت‌های متنوع همزمان                                                                     | تنوع کاربری و چندمنظوره‌سازی |                        |
| ۲      | طراحی نماهای جذاب و هماهنگ در حاشیه فضا، استفاده از المان‌های هنری و مجسمه‌های شهری، رنگ آمیزی مناسب و دلپذیر، افزایش فضای سبز و کاشت گیاهان متنوع، ایجاد آبنماها و عناصر آبی                                               | بهبود زیبایی و جذابیت        |                        |

|                                                                                                                                                                                                                           |                            |   |
|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------|---|
| برگزاری جشنواره های فرهنگی و محلی به صورت منظم، نمایشگاه های هنری و صنایع دستی محلی، بازارهای هفتگی و فصلی محصولات محلی، کنسرت ها و نمایش های خیابانی، جشن های سنتی و مذهبی                                               | برنامه ریزی<br>رویداد محور | ۱ |
| تشکیل شوراهای محلی با حضور فعال شهروندان، برگزاری جلسات مشورتی و نظرسنجی از ساکنان، طراحی مشارکتی با مشارکت مستقیم مردم، ایجاد باغچه های اشتراکی تحت مدیریت مردمی، واگذاری بخشی از تصمیم گیری ها به مردم محله             | مشارکت شهروندان            | ۱ |
| ایجاد پیوند با حافظه جمعی و تاریخ محل، استفاده از عناصر تاریخی و معماری سنتی - نام گذاری معنادار فضاها بر اساس شخصیت ها یا رویدادهای محلی، ایجاد موزه های محله ای و نمایش روایت های محلی، برگزاری مراسم یادبود و بزرگداشت | تقویت هویت و حس<br>تعلق    | ۲ |
| رویدادهای چند فرهنگی برای تقویت همبستگی، کارگاه های آموزشی هنری، صنایع دستی و آشپزی، فعالیت های ورزشی گروهی و مسابقات محلی، برنامه های تفریحی خانوادگی                                                                    | فعالیت های<br>چند فرهنگی   | ۳ |
| واگذاری مدیریت فضاها به نهادهای محلی و مردمی، حمایت مالی و فنی دولت از ابتکارات مردمی، بودجه مشارکتی برای پروژه های محله ای، تشکیل کمیته های نظارت مردمی                                                                  | مدیریت مشارکتی             | ۱ |
| نورپردازی کافی و مناسب در تمام ساعات شبانه روز، ایجاد دید باز و حذف نقاط کور و مخفی، تشویق به حضور دائمی افراد در فضا، نگهداری و خدمات نظافت منظم                                                                         | افزایش امنیت               | ۱ |
| استفاده از دوربین های امنیتی در صورت لزوم                                                                                                                                                                                 | مدیریتی                    |   |
| برنامه نگهداری و تعمیرات منظم و پیش بینی شده، تعمیرات سریع تجهیزات و مبلمان آسیب دیده، تمیزی و پاکیزگی مستمر فضا، مدیریت صحیح رویدادها و جمعیت                                                                            | بهره برداری پایدار         | ۲ |
| پایش مستمر کیفیت فضا و رضایت کاربران                                                                                                                                                                                      |                            |   |

جدول ۱۱ راهبردهای پیشنهادی متخصصان را در سه دسته کالبدی-طراحی، فرهنگی-اجتماعی و مدیریتی به طور کامل و جامع طبقه بندی کرده است. راهبردهایی که دارای اولویت ۱ هستند، در اکثر مصاحبه ها به عنوان ضروری ترین و فوری ترین اقدامات معرفی شده اند و باید در اولویت برنامه ریزی و اجرا قرار گیرند. این راهبردها شامل طراحی انسان محور و فراگیر، کاهش سلطه خودرو و توسعه پیاده راه ها، چند منظوره سازی فضاها و ترکیب کاربری ها، برنامه ریزی رویداد محور و برگزاری فعالیت های فرهنگی، افزایش مشارکت فعال شهروندان در تصمیم گیری ها، ایجاد مدیریت مشارکتی و محلی و افزایش امنیت فضاها می باشند. متخصصان بر این باورند که اجرای همزمان و یکپارچه این راهبردها می تواند به طور چشمگیر و قابل توجه کیفیت تعاملات اجتماعی در فضاهای جمعی را افزایش دهد و این فضاها را به مراکز پویا و پر جنب و جوش زندگی اجتماعی و فرهنگی واقعی تبدیل کند که شهروندان با اشتیاق و تمایل از آن ها استفاده کنند.

بر اساس جدول ۱۲، چارچوب عملیاتی جامعی برای بهبود فضاهای جمعی تهران در سه بازه زمانی طراحی شده است. در مواجهه با چالش «سلطه خودرو» - به عنوان یکی از گره های کلیدی - راهکارها از محدودیت های تردد فوری (کوتاه مدت) آغاز شده و با توسعه پیاده راه ها (میان مدت) به ایجاد شبکه حمل و نقل عمومی کارآمد (بلند مدت) می رسد که همگی در اولویت فوری قرار دارند. برای مقابله با «ضعف اعتماد اجتماعی»، راهبرد از برگزاری رویدادهای محله ای شروع شده و به تدریج به سمت نهادینه سازی شوراهای محلی و فرهنگ سازی مشارکت پایدار شهروندی پیش می رود. این چارچوب با تعیین دقیق متولیان اصلی (مانند شهرداری برای راهکارهای کالبدی و سازمان های فرهنگی برای راهکارهای اجتماعی) و همکاران ضروری، امکان اجرای هماهنگ و چند جانبه را فراهم می کند و به عنوان نقشه راهی کاربردی، یافته های پژوهش را به اقدامات عملی قابل پیگیری تبدیل می نماید.

جدول ۱۲. چارچوب کاربردی براساس مؤلفه های کلیدی (نقشه راه اجرایی)

| مؤلفه کلیدی        | مشکل                           | راهکار پیشنهادی (کوتاه مدت) | راهکار پیشنهادی (میان مدت) | راهکار پیشنهادی (بلند مدت) | اولویت | متولی اصلی    | همکاران                      |
|--------------------|--------------------------------|-----------------------------|----------------------------|----------------------------|--------|---------------|------------------------------|
| سلطه خودرو         | تسلط کامل خودرو بر فضاهای شهری | محدودیت تردد در مناطق خاص   | توسعه پیاده راه های جدید   | شبکه جامع حمل و نقل عمومی  | ۱      | شهرداری       | پلیس راهور، سازمان حمل و نقل |
| ضعف اعتماد اجتماعی | کاهش اعتماد بین شهروندان       | برگزاری رویدادهای محله ای   | ایجاد شوراهای محلی فعال    | فرهنگ سازی مشارکت شهروندی  | ۱      | سازمان فرهنگی | شهرداری، مناطق، NGO ها       |

|                   |                                |                            |                                |                              |   |                      |                         |
|-------------------|--------------------------------|----------------------------|--------------------------------|------------------------------|---|----------------------|-------------------------|
| مدیریت متمرکز     | عدم مشارکت مردم در تصمیمات     | پایلوت واگذاری در یک منطقه | گسترش مدیریت محله محور         | نهادینه شدن حکمروایی محلی    | ۲ | شهرداری شوراهای محلی | شورای شهر، شوراهای محلی |
| فقدان تنوع کاربری | تک کاربری بودن بسیاری از فضاها | مجوز کاربری های تکمیلی     | بازنگری طرح های تفصیلی         | توسعه شهری کاربری مختلط      | ۲ | سازمان شهرسازی       | شهرداری، بخش خصوصی      |
| ضعف هویت فرهنگی   | سطحی بودن فعالیت های فرهنگی    | نام گذاری معنادار فضاها    | موزه های محله ای و نمایش حافظه | پیوند عمیق با روایت های محلی | ۳ | میراث فرهنگی         | شهرداری، مردم محله      |
| کمبود امنیت       | احساس ناامنی در برخی فضاها     | نورپردازی فوری نقاط تاریک  | طراحی CPTED                    | فرهنگ نظارت اجتماعی          | ۳ | شهرداری              | پلیس، مردم              |
| ضعف مبلمان شهری   | کمبود یا نامناسب بودن تجهیزات  | نصب مبلمان اضطراری         | استانداردسازی مبلمان شهری      | طراحی مبلمان هویت مند        | ۲ | شهرداری مناطق        | سازمان زیباسازی         |
| فقدان پیاده راه   | کمبود فضاهای پیاده در شهر      | احیای پیاده راه های موجود  | ایجاد پیاده راه های جدید       | شبکه یکپارچه پیاده راه       | ۱ | شهرداری              | سازمان حمل و نقل        |

بر اساس یافته های حاصل از تحلیل کیفی، دستاوردهای این پژوهش به شرح زیر است:

مدل پارادایمی ارائه شده در این پژوهش، برای اولین بار روابط علی و معلولی بین تحولات کالبدی (دوره پهلوی و معاصر) و کیفیت تعاملات اجتماعی را در بستر شهر تهران تبیین می کند. این مدل شامل شش مؤلفه اصلی (تحولات کالبدی- فضایی، عوامل مؤثر در تحول، کیفیت تعاملات اجتماعی، نقش فرهنگی فضاها، چالش ها و موانع، راهبردها و راهکارها) و روابط بین آنهاست. برای اولین بار در مطالعه فضاهای جمعی تهران، عوامل مؤثر بر تعاملات اجتماعی به صورت نظام مند شناسایی و اولویت بندی شده است. عوامل سیاسی- مدیریتی با ۳۱ اشاره (بالاترین مرکزیت) به عنوان گره محوری شناسایی شد. ارائه چارچوب عملیاتی سه بازه (کوتاه مدت، میان مدت، بلندمدت) همراه با تعیین متولیان اجرایی، یکی از مهم ترین دستاوردهای کاربردی این پژوهش است که در جدول ۱۲ ارائه شده است. شناسایی «سلطه خودرو»، «ضعف اعتماد اجتماعی» و «عوامل سیاسی- مدیریتی» به عنوان گره های کلیدی که تمرکز بر آنها بیشترین تأثیر را در بهبود تعاملات اجتماعی دارد.

### نتیجه گیری

این پژوهش با هدف مطالعه تحولات کالبدی فضاهای جمعی معاصر در مناطقی از شهر تهران و تأثیر آن بر کیفیت تعاملات اجتماعی انجام شد. یافته ها نشان می دهد که تحولات کالبدی ناشی از برنامه ریزی مدرن و توسعه سریع شهری، تأثیر مستقیم و معناداری بر ماهیت و کیفیت تعاملات اجتماعی شهروندان داشته است. در دوره پهلوی، گذار از ساختار ارگانیک و درون گرای فضاهای سنتی به الگوی مدرن خیابان محور و میدان های هندسی، اگرچه به نوسازی کالبدی شهر انجامید، اما با محوریت دادن به حرکت سواره و نمادسازی سیاسی، به تدریج بستر تعاملات چهره به چهره و روابط محله ای را تضعیف کرد. در دوره معاصر، اگرچه رویکردهایی مانند انسان محوری، پیاده راه سازی و بازآفرینی فضاهای میان مقیاس در دستور کار قرار گرفته، اما همچنان چالش های عمیقی نظیر سلطه خودرو، ضعف اعتماد اجتماعی، مدیریت متمرکز و فقدان تنوع کاربری، پتانسیل این فضاها برای تقویت حیات جمعی را محدود کرده است. تحلیل داده ها نشان داد که «عوامل سیاسی- مدیریتی» به عنوان گره محوری و «تحولات دوره پهلوی» به عنوان مهم ترین گره کلیدی، نقش تعیین کننده ای در شکل دهی به وضعیت کنونی داشته اند. این پژوهش نشان می دهد که بهبود کیفیت تعاملات اجتماعی در گرو اتخاذ رویکردی یکپارچه و همزمان به ابعاد کالبدی، اجتماعی- فرهنگی و مدیریتی است. راهبردهای دارای اولویت بسیار بالا شامل: طراحی انسان محور و فراگیر، کاهش سلطه خودرو و توسعه پیاده راه ها، چندمنظوره سازی فضاها، برنامه ریزی رویداد محور، افزایش مشارکت شهروندان، ایجاد مدیریت مشارکتی و ارتقای امنیت محیطی می باشند. نوآوری پژوهش حاضر در ارائه مدل پارادایمی که پیچیدگی روابط علی و معلولی بین تحولات کالبدی (به عنوان شرایط علی و زمینه ای)، عوامل مداخله گر (مانند سلطه خودرو) و راهبردهای بهبود (در ابعاد کالبدی، اجتماعی و مدیریتی) را در قالب

یک سیستم منسجم تبیین می‌کند و همچنین با تحلیل تطبیقی تحولات در دو دوره کلیدی پهلوی و معاصر، درکی پویا و تاریخی از روند تغییرات ارائه داده است که در مطالعات پیشین کمتر به آن پرداخته شده است. یافته‌های این پژوهش همسو و در عین حال تکمیل‌کننده مطالعات پیشین است. تأکید بر تأثیر منفی سلطه خودرو بر تعاملات اجتماعی، یافته‌ای است که در پژوهش‌هایی مانند جیکوبز (۱۹۶۱) و همچنین مطالعات داخلی مانند شاطریان و کریمی (۱۴۰۱) بر آن تأکید شده بود. شناسایی کاهش اعتماد اجتماعی و مشارکت محله‌ای به عنوان پیامد تحولات کالبدی، یافته تحقیق حاضر را به مطالعاتی مانند دادگر و قصری (۱۴۰۱) و پوربهادر پیوند می‌زند که بر نقش فضا در تقویت یا تضعیف سرمایه اجتماعی تأکید دارند. همچنین، تأکید بر ضرورت تنوع کاربری و چندمنظوره بودن فضاها برای افزایش حضورپذیری، همخوان با یافته‌های برنابئو-باتیستا و همکاران (۲۰۲۳) و اولدنبرگ (۱۹۹۹) در مورد اهمیت پیچیدگی عملکردی است. این پژوهش با محدودیت‌هایی نیز روبرو بود که می‌تواند زمینه‌ساز تحقیقات در آینده باشد: اگرچه مناطق منتخب، نوعی از بافت‌های شهری تهران را پوشش می‌دهند، اما تعمیم یافته‌ها به تمامی محلات و فضاها جمع‌ی تهران نیازمند مطالعات با دامنه گسترده‌تر است، اگرچه روش کیفی به درک عمیق‌تری از مسئله منجر شد، اما شاخص‌های کمی برای سنجش دقیق‌تر میزان تأثیر تحولات کالبدی بر شاخص‌های عینی تعاملات اجتماعی (مانند تراکم و تداوم تعامل) از محدودیت‌های این مطالعه محسوب می‌شود. اگرچه دیدگاه متخصصان غنای تحلیلی بالایی دارد، اما درک تجربه زیسته و نیازهای مستقیم کاربران فضا (شهروندان عادی) می‌توانست ابعاد دیگری از مسئله را روشن کند. انجام پژوهش‌های آتی با روش‌های ترکیبی (کیفی-کمی) و با مشارکت گسترده‌تر کاربران فضا پیشنهاد می‌شود. در تهران امروز، مسائل روزی چون سلطه بی‌سابقه خودرو، گسترش بی‌ضابطه بزرگراه‌ها، کاهش اعتماد اجتماعی، توسعه مراکز تجاری مصرف‌محور به جای فضاها تعاملی، و مدیریت متمرکز و بالابده‌پایین فضاها عموماً، چهار چالش اصلی هستند که فضاها جمع‌ی پایتخت را به سمت افول تعاملات اجتماعی سوق داده‌اند. یافته نوآورانه این پژوهش نشان می‌دهد که «عوامل سیاسی-مدیریتی» به عنوان گره محوری و «سلطه خودرو» به عنوان بحران روز تهران، دو اهرم کلیدی مداخله هستند. در حالی که بسیاری از پژوهش‌های پیشین تنها بر طراحی کالبدی تمرکز داشتند، این پژوهش نشان می‌دهد که راهبردهای مدیریت مشارکتی و برنامه‌ریزی رویدادمحور به همان اندازه راهبردهای کالبدی در افزایش تعاملات اجتماعی مؤثرند. در نهایت می‌توان تأکید کرد که فضاها جمع‌ی تهران در میانه تقابل میراث کالبدی گذشته و نیازهای اجتماعی حاضر قرار دارند. احیای نقش این فضاها به عنوان بستر حیات جمع‌ی و تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی، تنها در سایه برنامه‌ریزی و طراحی هوشمندانه‌ای ممکن است که با عبور از نگاه صرفاً کالبدی و فنی، ابعاد اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی را در هسته مرکزی تصمیم‌سازی‌های شهری قرار دهد.

**سیاسگذاری:** مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری می‌باشد. بدین وسیله از همکاری مشارکت‌کنندگان در این مقاله که سهم موثری در جمع‌آوری داده‌ها داشته‌اند، تشکر و قدردانی می‌شود.

**حامی مالی:** بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

**سهم نویسندگان در پژوهش:** همه نویسندگان، در نگارش و تنظیم مقاله حاضر نقش و سهم برابر دارند.

**تضاد منافع:** نویسندگان اعلام می‌دارند هیچ تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

## References

Abarghouei Fard, H., Motalebi, G. and Mansouri, S. A. (2023). A theory of Good Form of Public Space» A Critical Review of the Criteria for the Formation of Efficient Public Space. The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar, ۲۰(۱۲۱), ۳۷-۵۴. (In Persian)

[https://www.bagh-sj.com/article\\_165708\\_en.html](https://www.bagh-sj.com/article_165708_en.html)

Bernabeu-Bautista, A., Serrano-Estrada, L., & Marti, P. (2023). The role of successful public spaces in historic centres. Insights from social media data. Cities, 137, 104337.

<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S026427512300149X>

- Bernabeu-Bautista, Alvaro. Serrano-Estrada, Leticia. Marti, Oablo. (2023). the role of successful public spaces in historic centres. Insights from social media data. *Cities*, (137), 104337, [www.elsevier.com/locate/cities](http://www.elsevier.com/locate/cities).
- Carmona, M., De Magalhães, C., & Hammond, L. (2008). *Public space: the management dimension*. Routledge. <https://www.routledge.com/Public-Space-The-Management-Dimension/Carmona-Magalhaes-Hammond/p/book/9780415396493>
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2009). *Public places, urban spaces: The dimensions of urban design* (F. Gharai, M. Shokouhi, Z. Ahari, & E. Salehi, Trans.). Payam-e. (Original work published 2003). <https://www.taylorfrancis.com/books/mono/10.4324/9781315158457/public-places-urban-spaces-matthew-carmona>
- Carmona, M., Tiesdell, S., Heath, T., & Oc, T. (2021). The perceptual dimension. *Public Places, Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design*, ۱۱۱-۱۳۲. <https://www.taylorfrancis.com/books/mono/10.4324/9781315158457/public-places-urban-spaces-matthew-carmona>
- dabiri, H. & zare, L. (۲۰۲۱). Investigating the Effect of Effective Security Components on Public Spaces to Attract Citizens Case Study: Student Park of Tehran. *Geography (Regional Planning)*, 11(42), 741-753. **(In Persian)**
- [https://www.jgeoqeshm.ir/article\\_130639.html?lang=en](https://www.jgeoqeshm.ir/article_130639.html?lang=en)
- Dadgar, F., & Ghasri, M. A. (۲۰۲۲). The role of Rasuli market as a socio-commercial space in improving the quality of the urban environment of Zahedan. *Geographical Research*, ۲۷(۲), ۲۶۷-۲۷۶. **(In Persian)** [https://georesearch.ir/browse.php?a\\_id=1309&sid=1&slc\\_lang=en](https://georesearch.ir/browse.php?a_id=1309&sid=1&slc_lang=en)
- Durkheim, E. (1893). *De la division du travail social* (The Division of Labour in Society). [https://monoskop.org/images/9/97/Durkheim\\_%C3%89mile\\_De\\_la\\_division\\_du\\_travail\\_social\\_1991](https://monoskop.org/images/9/97/Durkheim_%C3%89mile_De_la_division_du_travail_social_1991).
- Gehl, J. (2011). *Life between buildings: Using public space*. Island Press [https://cus.ubt-uni.net/wp-content/uploads/2024/11/Jan-Gehl-Life-Between-Buildings\\_-Using-Public-Space-2011-Island-Press](https://cus.ubt-uni.net/wp-content/uploads/2024/11/Jan-Gehl-Life-Between-Buildings_-Using-Public-Space-2011-Island-Press).
- gholikiani, P., Sohrabi, V. and hoseiny, O. (2024). Evaluation of the effective index on the incidence of collective life in public spaces (study sample: Keshavarz Boulevard, Tehran). *Geographical Engineering of Territory*, 7(4), 913-922. **(In Persian)**
- doi: 10.22034/jget.2023.275565.1261
- Habermas, J. (1981). *Theorie des kommunikativen Handelns* [Theory of communicative action]. Frankfurt: Suhrkamp. <https://soztheo.de/soziologie/schlueselwerke-der-soziologie/juergen-habermas-theorie-des-kommunikativen-handelns-1981/>
- Lorenzo, M. Ríos-Rodríguez, M. L. Sua' rez, E. Herná' ndez, B. Rosales, C. (2023). Quality analysis and categorisation of public space. *Heliyon*, (9), e13861, [https://www.cell.com/heliyon/fulltext/S2405-8440\(23\)01068-X?uuiid=uuid%3A144a68c7-4b16-4562-8874-4fac039a0742](https://www.cell.com/heliyon/fulltext/S2405-8440(23)01068-X?uuiid=uuid%3A144a68c7-4b16-4562-8874-4fac039a0742)
- Low, S. M. (۲۰۲۳). *Why public space matters*. Oxford University Press. [https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=6BGMEAAAQBAJ&oi=fnd&pg=PP1&dq=Low,+S.+M.++\(2023\).+Why+public+space+matters.+Oxford+University+Press.%E2%80%8F&ots=kKXcabWil\\_&sig=2EFFERz--zWfzNUeAyRfjXmwMLw#v=onepage&q&f=false](https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=6BGMEAAAQBAJ&oi=fnd&pg=PP1&dq=Low,+S.+M.++(2023).+Why+public+space+matters.+Oxford+University+Press.%E2%80%8F&ots=kKXcabWil_&sig=2EFFERz--zWfzNUeAyRfjXmwMLw#v=onepage&q&f=false)
- Low, S. M. Taplin, D. Scheld, S. (2009). *Rethinking urban parks: Public space and cultural diversity*. Texas: University of Texas Press. [https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=lzrsDAAAQBAJ&oi=fnd&pg=PR5&dq=Low,+S.+M.+Taplin,+D.+Scheld,+S.++\(2009\).+Rethinking+urban+parks:+Public+space+and+cultural+diversity.+Texas:+University+of+Texas+Press.&ots=MMk39Ycxg3&sig=bRAMDuy-AZdloj4gf8Yb\\_U9LRrc#v=onepage&q&f=false](https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=lzrsDAAAQBAJ&oi=fnd&pg=PR5&dq=Low,+S.+M.+Taplin,+D.+Scheld,+S.++(2009).+Rethinking+urban+parks:+Public+space+and+cultural+diversity.+Texas:+University+of+Texas+Press.&ots=MMk39Ycxg3&sig=bRAMDuy-AZdloj4gf8Yb_U9LRrc#v=onepage&q&f=false)
- Madanipour, A. (2003). *Public and private spaces of the city*. Routledge. **(In Persian)**
- DOI:10.4324/9780203402856
- Marx, K., & Engels, F. (1848). *Manifest der Kommunistischen Partei* [The Communist Manifesto]. London.
- Milenkovitch, DD (1971). *Plan and market in Yugoslav economic thought*. New Haven: Yale University. <https://www.kpoe-steiermark.at/dl/5408cec1d17ee4f9adff37c4c31f3790/manifest>.
- Mehta, V. (2013). *The Street: A Quintessential Public Space*. Routledge <https://doi.org/10.4324/9780203067635>
- Mehta, V. (2022). *Public Space: notes on why it matters, what we should know, and how to realize its potential*. Routledge.

[https://api.pageplace.de/preview/DT0400.9781000630107\\_A43088954/preview-9781000630107\\_A43088954](https://api.pageplace.de/preview/DT0400.9781000630107_A43088954/preview-9781000630107_A43088954).

Moghtader, B., Etesam, I. and Matin, M. (2020). Developing a Framework for Promoting Social Interactions in the Architecture of Industrial Towns in Rural Areas of Tehran. *Islamic Art Studies*, 16.17(39), 440-450. doi: 10.22034/ias.2020.211833.1111

Mohammadzade Balalami, S., Ghasemi, M., Norouzi, M. and Nikpour, M. (2023). Assessing the Sociopetalities of urban public spaces with an emphasis on the factor of enclosure (Case study: Bam Central Square). *Journal of Sustainable Architecture and Urban Design*, 11(1), 159-176. **(In Persian)**  
Ddi: 10.22061/j Saud.2023.9199.2071

Noghsanmohammadi, M., Rajabi Ghotromi, M. and Montazerolhodjah, M. (2024). The Urban Architecture and Spatial Model of Taft Town Hosseiniyehs as Examples of Collective Iranian-Islamic Space; A Study Based on Analytical Approach and the Graph Theory. *Soffeh*, 34(2), 41-67. **(In Persian)**

DOI: 10.48308/SOFEH.2024.104639

Oliveira, V. (2016). *Urban morphology: An introduction to the study of the physical form of cities*. Springer. Doi: 10.1007/978-3-319-32083-0

Pakzad, J. (2007). *Mabani-ye nazari va farayand-e tarrahi-ye shahri* [The theoretical foundations and process of urban design]. Shahidi Publications. **(In Persian)**

<https://www.gisoom.com/book/1377639/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8%A8-%D9%85%D8%A8%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D9%86%D8%B8%D8%B1%DB%8C-%D9%88-%D9%81%D8%B1%D8%A7%DB%8C%D9%86%D8%AF-%D8%B7%D8%B1%D8%A7%D8%AD%DB%8C-%D8%B4%D9%87%D8%B1%DB%8C/>

Pierre, B. (1979). *La distinction. Critique sociale du jugement*.

[https://psychanalyse.com/pdf/LA\\_DISTINCTION\\_CRITIQUE\\_SOCIALE\\_DU\\_JUGEMENT](https://psychanalyse.com/pdf/LA_DISTINCTION_CRITIQUE_SOCIALE_DU_JUGEMENT).

Pourbahador, P., & Brinkhuijsen, M. (2023). Municipal strategies for protecting the sense of place through public space management in historic cities: A case study of Amsterdam. *Cities*, 136, 104242.

<https://edepot.wur.nl/589446>

Qi, J., Mazumdar, S., & Vasconcelos, A. C. (2024). Understanding the relationship between urban public space and social cohesion: A systematic review. *International Journal of Community Well-Being*, 7(2), 155-212.

<https://link.springer.com/article/10.1007/s42413-024-00204-5>

shaterian, M. & Karimi, R. (۲۰۲۲). Modeling Physical Factors and Their Effects on Social Interactions (Case Study: Old Texture of Kashan). *Physical Social Planning*, 9(3), 33-48. **(In Persian)**

doi: 10.30473/psp.2023.47396.2149.

Tayyebi, A. (2022). The impact of the tangible - artifact dimension of urban public open space on the mental image of tourists from that space: a qualitative study. *Geography (Regional Planning)*, 12(47), 763-783. **(In Persian)**. doi: 10.22034/jgeoq.2022.310505.3365

Turgut, Yakup. Lazarova-Molnar, Sanja. (2025). exploring urban segregation dynamics; A hub-based agent model integrating preferences, social interactions, and policy interventions. *Cities*, (156), 105576, [www.elsevier.com/locate/cities](http://www.elsevier.com/locate/cities).

Wang, D., & Li, S. (2025). Social conflicts and their resolution paths in the commercialized renewal of old urban communities in China under the perspective of public value. *Journal of Urban Management*, 14(2), 402-417.

Doi: 10.1016/j.jum.2024.11.007

Zhu, Yihan. Zhang, Ye. Biljecki, Filip. (2025). Understanding the user perspective on urban public spaces: A systematic review and opportunities for machine learning. *Cities*, 156, 105535, [www.elsevier.com/locate/cities](http://www.elsevier.com/locate/cities).